

کتاب استر (یونانی)

شامل :

پیشگفتار

متن

کتاب استر (یونانی)

پیشگفتار

تمام فاجعه بردوش زنی است (رک. یهودیه). استر در حالی که به مقام ملکه ارتقاء یافته است، فردی یهودی است که اصل و تبار خویش را در نزاع بین هامان وزیر متفرعن و متکبر و مردخای یهودی سالخورده مؤمن و پرهیزکار، بازمی‌یابد. سرانجام ماجرا در خونی که از مشرکان به راه افتاده بود پیش از آنکه قوم به شادی و هلله دست یابد، شسته می‌شود. تناقض‌ها به سادگی و با مهارت در برابر هم قرار داده شده‌اند. حرکات خنده‌دار و چندش‌آور هامان، حس انتقامجویی مفرط را بارور می‌گرداند. جشنی که فرا می‌رسد همان قدر شکوهمند و شادی‌آور بود که می‌توانست تبدیل به ماتمی از ستمگری و خونریزی باشد.

متن یونانی، تحت تأثیر روش‌های داستان‌سرایی ادبیات یونانی دارای برخی بخش‌های اضافی است (مهم‌ترین آنها طبق حروف الفبا از الف تا ج (A-F) برابر معمول نسخ هفتاد تنان مشخص گردیده است). آغاز موضوع با رؤیائی است (بخش الف) که آنچه را باید روی دهد از پیش خبر می‌دهد. توضیح مربوط به آن در آخر کتاب (بخش ج) پس از وقوع ماجراها، پیش از آنکه در پیوست

کتاب استر، قبلاً از روی متن عبری ترجمه شده بود، اینک ترجمه دیگری از متن یونانی در دست است. بین دو متن تشابهات و تفاوت‌هایی وجود دارد که تنها حاصل زبانی است که هر یک به کار برده‌اند نمی‌باشد. (در این باره به پیشگفتار متن عبری کتاب استر رجوع کنید.) بافت رویدادها، کمابیش به هم شبیه‌اند: سقوط «استن»^۱ (به جای ملکه وشتی^۲ در متن دیگر). سرفرازی استر، ارتقاء مقام هامان و قرعه‌ای که علیه یهودیان انداخته شد، تنزل مقام مردخای، سپس موفقیت استر، به قدرت باز آمدن و پیروزی مردخای، سقوط هامان، سلطه استر، شکست دشمنان و برپائی جشن فوریم (قرعه). این تسلسل عزت و ذلت، پیروزی و شکست، مشخصه آهنگ و زیرویم روایتی است که نقش‌ها در آن معکوس می‌گردد. توطئه‌های درباری، تحریکات حيله‌گرانه برای واژگونی کارها، دسیسه‌ها، سقوط‌ها، جلوگیری از جریان منافع، به هیجان آوردن هوس‌ها و احساسات همه شیوه‌هایی است که در داستان‌سرایی و به ویژه در متن یونانی بکار گرفته شده است. شگفتی‌هایی که باعث اهتزاز رویدادها و گسترش و شرح و بسط ماجراهاست بدان پیوند می‌خورد. سنگینی

تفصیل مطالب دارای اضافاتی است یا اقدام به تجدید متن عبری کرده است. تفاوت‌های بین این متون چه از لحاظ طرز نگارش و املاء و چه از لحاظ یادداشت‌ها و توضیحات، چشمگیر است در متن حاضر [فارسی] حروف «مایل» نشان همانندی بین دو متن است. درحالی که واژه‌ها دارای معانی یکسانند، لذا بدیهی است ترجمه‌ها در این صورت با هم برابر و مشابه‌اند. توضیحات بیانگر نکاتی است که در متن عبری لاقلاً زمانی که تفاوت‌ها حائز اهمیت‌اند، بیش از متن یونانی وجود دارد (مقایسه شود با متن عبری کتاب استر).

در حالی که متن عبری، علی‌رغم اشاره‌ای در ۱۴:۴ در هیچ‌جا ذکر از نام خدا نمی‌کند، متن یونانی به صراحت از آن نام می‌برد و بر ویژگی مذهبی و مقدس این سرگذشت که در محافل جامعه یهودیان مهاجر دست به دست می‌گشت، تکیه می‌کند. اما درباره معبد، تورات، کهنات، سبت و اورشلیم یعنی پایه‌های خاص آئین یهودیت چنانچه به کنایاتی سریع و زودگذر در برخی از بندهای اضافی و از جمله (پ ۲۰. پ ۲۶: ت ۹۵، ج ۱۱) توجه نکنیم، همان سکوت برقرار است. با حکایت و تعریف رویدادهایی که استر و مردخای هر دو قهرمانان شکوهمند آن هستند پس چرا این کتاب «استر» نامیده شده اما در تاریخ یهود «روز مردخای» معروف است؟ جشن فوریم (قرعه) دارای توجیه و بیان خود است و هم دارای ریشه و هم دارای نشان مذهبی است. در واقع این نوشته‌ها چون بهانه‌ای است خطاب به جامعه ایمان‌داری که

نشانه‌ای درباره مأخذ ترجمه به یونانی درباره «فوریم» [قرعه] داده شود، آورده شده است. در باب‌های سوم و هشتم دو مأخذ (بخش‌های ب و ث) برابر سبک معمول به منظور تأکید بر لحن و بیان خصلت مذهبی سرگذشت با هم درمی‌آمیزند. دو نیایش (در بخش پ) در لحظه‌ای حساس به میان می‌آید که موجب واژگونی وضع موجود می‌گردد. سرانجام در باب پنج بندهای ۱ و ۲ (بخش ت) به خصوص برای نشان دادن ویژگی شگفت و الهی کسی که سلطنت را در برگرفته و آن را مقدر داشته به غایت بسط و توسعه داده شده است.

این اضافات را ژروم قدیس در آخر کتاب آورده و بدین ترتیب آنها را از متن و بافت کتاب جدا کرده است. به جاست که همه آنها را در جای خود، همان‌جایی که در کتاب مقدس یونانی بوده، باز آورد (نگاه کنید به پیشگفتار کتب برحق متأخر). بدین ترتیب، این اضافات در طول جریان روایت علی‌رغم برخی پیچ و خم‌ها و اغوجاجات به جاهای خود منضم و مدغم می‌گردند. (ر.ک. الف ۱-۳ و ۲: ۵-۶، الف ۱۲-۱۶ و ۲: ۲۱-۲۳).

از متن یونانی کتاب استر دو انشاء در دست است: یکی از لوسین انطاکی^۳ و دیگری از اوريجن^۴. ترجمه حاضر از متن دوم است زیرا با متن عبری تفاوت بیشتری دارد. در مقایسه متن عبری و متن یونانی در مقاطع معین می‌توان به سه نکته زیر پی برد: برخی قسمت‌ها ترجمه تحت اللفظی از متن عبری است و دارای جمله پردازی‌هایی به آن زبان است. دیگری متنی ساده شده با برخی جافتادگی‌ها و سرانجام متن یونانی در

می کند از جمله درگیری های اغلب دهشتناک بین جوامع یهود و همسایگان که طبق صحنه هائی نابهنگام و مصنوعی ساخته و پرداخته شده تا به نظر جزو تاریخ واقعی باشد. اصالت واقعی و تاریخی کتاب استر در صحنه های دور دست گذشته منعکس است و با بزرگداشت آن بدون آن که از گیرائی و نوآوری آن چیزی کاسته شود، نگاه دارنده سرگذشتی قدیمی است. در واقع در زیر اشکال دلپذیر یا اندوهناک، وضع مصیبت بار قومی که گذشته خود را منقش به نقش نجات خدا می داند، به دست فراموشی نمی سپارد، افزوده بر این، تفصیلی که اینجا و آنجا آورده می شود با آنچه ما از روزگاران باستان می دانیم در تناقض و تضاد نمی باشد و ادبیات یونان و هرودت (مورخ قرن پنجم) نیز آنها را تأیید می کنند. کتاب استر در جهت مخالفت و جبهه گیری با تاریخ نیست، بلکه تاریخ را با داستانی اخلاقی و تهنیتی می آمیزد که تکرار فاجعه ای مذهبی و ایمان به خدای نجات دهنده را بازگو می کند. با گذر از زبانی دیگر، سخن خدا از ورای نوشته های گوناگون به راه خود ادامه می دهد. جدائی های بین متون عبری و یونانی را همیشه نمی توان به حساب تصادف یا غفلت مترجمان گذاشت (آیا در مورد ترجمه هفتاد تنان اشاره به این امر مرسوم بوده است؟) آیا این امر را نباید بیشتر به خاطر ایمان پویا به سخن خدا دانست؟ پیام مهمتر از متن است. آنچه مهم است پاسخ به پرسش ها و استمدادهای گیرندگان پیام و مخاطبان است. آنان در مورد شرح و بسط آن چاره جوئی های خود را می کنند. از دید آن کس که در بررسی و مقایسه این دو متن عبری و یونانی است، راه از

جشنی بدین منظور برپا می دارد (۲۳:۹-۲۸)، نمایشی شادی آور و یادآوری مجدد و همیشگی پیمان با خداست: کتاب استر در واقع جزئی از «پنج طومار» [اسفار خمسه] است که در برخی از اعیاد یهود قرائت آن برای قوم معین و مقرر شده است.

مانند کتاب یهودیه که قهرمان آن نیز زنی شجاع است، تقدیر قوم خدا بر سر خوان های ضیافت زده شده است. مضمون ضیافت سراسر کتاب استر را بدون آنکه در آن در لحظه ای خاص ذکری از خدا به میان آید دربر گرفته است. اگر این امر مبتنی بر منشأ بت پرستانه (رک. مقدمه استر به عبری) «روز مردخای» (۲-مک ۱۵:۳۶) تلقی شود لذا تعبیر جدیدی از این مضمون (رک. الف: ۱۰) به معنائی مکاشفه ای و برابر نیازهای زمان در دست بوده که مؤثر در متن و پایدارنده سنت بوده است.

ریشه مفاهیم کتاب مقدسی در مورد کتاب استر بسیار عمیق است. در آنها درس ها و سرمشق هائی از کتاب بن سیراخ، مضمون بازگشت سعادت که اغلب در کتاب حکمت وجود دارد، یافته می شود. از سوی دیگر، این سرگذشت دارای شباهتی بسیار با وضع یوسف در مصر (پید ۳۷-۵۰) و ماجراهای شگفت انگیز دانیال دارد. بسیاری رویدادهای دیگر هست که نکات مقایسه ای و تطبیقی با کتاب های عزرا، نحمیا یا کتاب های مکابیان دارند. همچنین مطالبی به موازات با کتاب های جدیدتر کتاب مقدس وجود دارد که نه تنها به خود متن اشاره و ارجاع دارند بلکه شهادتی است درباره واقعیت رویدادهائی که تا حدودی ناگفته مانده و دیگر متون آنها را روشن تر

اما این خدا در مرکز قدرتی دور دست قرار ندارد. وی در جریان تاریخ که به دور از هوس های تقدیر است مداخله دارد. کتاب استر ما را از گرایش به روحیه قضا و قدری و فلسفه جبر و تقدیر دور می کند. بیشتر نیایش های فروتنانه و کارها با سعی و همت استری یا مردخای صورت می پذیرد که مایه عبرت است. زیرا نجات از سوی خدا، بدون کوشش انسان که هدف نجات است تحقق نخواهد یافت پیمان بین خدا و قوم او این چنین است.

این سرگذشت قوم یهود که از مصائب و مرگ رهایی یافته، در گوش شنوندگانش موجب جشن و پایکوبی و هلله و شادی شده است. این سرگذشت می تواند یادآور «جشن ضیافت» مسیحی باشد که در آن آزادی و مصالحه و آشتی برای همه انسان ها از سوی خدا در عیسای مسیح عطا شده است. «دیگر نه یهودی وجود دارد و نه یونانی...» (غلا ۳:۲۸).

پیش، اول برای خواننده و سپس برای تفسیری ارشادی از طریق ایمان ترسیم گردیده است. با رساندن پیام به زبانی دیگر، احساس ملی گرائی در متن یونانی ملایم تر ولی شاخ و برگ آن بیشتر در حالت گسترش است، این اندیشه جهانشمولی پررنگ، بدون تردید ناشی از محافل پیروان فرهنگ یونانی جامعه مهاجرنشین است که این متن را در آن خوانده یا می شنیده اند. اگر قرار بر این می بود که از شرح و بسط و شاخ و برگ قضایا به وجد آمد پس باید از خشونت ها و توحش های خونبار آن نیز حیرت نکرد. آنچه می ماند این است که یهودیان در معرض یک قدرت قهار، جدائی و تفرقه آنان به سرانجامی شوم منتهی می گردد. این وضع همواره فعلیت حادی به کتاب استر می بخشد.

سر بر تافتن مذهبی از سوی مردخای، پیرمرد یهودی، در برابر هامان وزیر مقتدر، جنبه سیاسی به خود می گیرد ایمان این گونه شخص ایماندار را حتی در برابر قدرتمندان این جهان به سوی عمل و اقدام راهبری می کند. زیرا سروری بزرگ تر و مؤثرتر از خود خدا وجود ندارد.

کتاب استر (یونانی)

خواب مردخای^a

می‌کرد. ^۳ وی از جمله کسانی بود که

نبوکدنصر، پادشاه بابل او را از اورشلیم با
یکنیا پادشاه یهودیه^g تبعید کرده بود.

^۴ و اینک این خواب^h چه بود:

همه و سر و صدا،

غریو و زمین لرزه،

آشوب بر زمینⁱ.

الف ^۱ سال دوم سلطنت اردشیر کبیر^b،

اولین روز [ماه] نيسان^c، مردخای

خوابی^d دید. وی از تبار یاثروس، پسر

سامبیا، پسر تسبیا^e، از قبیله بنیامین بود.

^۲ مردخای یهودی، ساکن شوش و شخصیت

مهمی بود که در دربار پادشاه^f خدمت

۲ سمو ۲۲: ۸؛
بول ۴: ۱۶؛
۱ مک ۱: ۲۸

- a. این فصل مقاماتی در متن عبری وجود ندارد. اطلاع ما از آن تنها توسط یونانی است (با دو ترجمه). همین امر در مورد تمامی فصل‌هایی که با حروف الفبائی مشخص گردیده اند صدق می‌کند (ر.ک. پیشگفتار). این فصل مقدماتی حاوی مضامین اصلی کتاب استر است: آشفتگی، اختناق و فشار مبارزه، پیروزی، واژگونی اوضاع (سقوط، روی کار آمدن)؛ آزادی و شادی (جشن). از سوی دیگر ملاحظه می‌کنیم که این فصل بدو ارتباط با خود استر نیست (عنوان کتاب) بلکه به مردخای مربوط است. در جریان روایت، این دو شخصیت (استر و مردخای) به نوبت بر هم تقدم می‌یابند.
- b. در متن عبری، نام پادشاه اخشورش است (ر.ک. استر عبری ۱: ۱ توضیح). در متن یونانی حاضر که از متن اورپن ترجمه شده به جای اخشورش نام پادشاه اردشیر (ارتخشستا) آمده است. درباره هر دو نام ر.ک. عزرا ۴: ۶-۷. در تاریخ ایران سه ارتخشستا شناخته شده‌اند. (۳۳۸-۳۵۹؛ ۳۵۹-۴۰۴؛ ۴۲۴-۴۶۴، ارقام از چپ به راست خوانده شوند).
- c. نيسان = (اسفند - فروردین؛ مارس - آوریل). نخستین ماه سال یهود برابر نامگذاری دوران بعد از تبعید (مصر) ر.ک. خروج ۱۲: ۲ توضیح.
- d. این خواب (رؤیا) به خصوص در آغاز این کتاب، دارای ارزش نمادین و هشدار دهنده است. در کتاب مقدس، روایات زیادی مربوط به خواب و رؤیا وجود دارد: در عهد عتیق: پید ۱۵: ۱۲؛ ۳: ۲۰؛ ۲۸: ۱۰-۱۲؛ ۳۷: ۵-۱۰؛ ۴۰: ۵-۲۳؛ ۴۱: ۱-۳۲ (سرگذشت یوسف)؛ داور ۷: ۱۳-۱۵؛ ۱-۳: ۵؛ دان ۴: ۷؛ ۲-۲ مک ۱۱: ۱۵-۱۲؛ در عهد جدید: مت ۱: ۲۰-۲۴؛ ۲: ۱۳-۱۴ (توضیح)؛ ۱۹: ۲؛ ۱۹: ۲۷؛ ۱۹: ۱۶؛ ۱۸: ۹؛ ۲۳: ۱۱.
- e. در متن اصلی، نام‌ها به یونانی برگردانده نشده است [در ترجمه فارسی طبق روال همیشگی از مأخذ ترجمه کتاب مقدس سال ۱۹۰۴ استفاده کرده‌ایم] (ر.ک. استر عبری ۵: ۲ توضیح).
- f. مردخای در این صحنه چون یکی از افراد دربار نمایانده شده است. این آیه با بخش موازی آن (در ۲: ۵-۶) که درباره نقش مردخای کمتر غلو می‌کند ارتباطی ندارد.
- g. تبعید در تاریخ سال ۵۹۷، روی داده بود (۲-۲۴: ۱۴) در اینجا به امر خلاف واقعی برمی‌خوریم (ر.ک. استر عبری ۲: ۶ توضیح). بنا بر آغاز این روایت، مردخای می‌بایست ۱۵۰ ساله باشد! اما این جزئیات تخیلی کمتر از چهارچوب تاریخی روایت دارای اهمیت است یعنی تبعیدی که منجر به جلای وطن یهودیان دور از شهر اورشلیم گردید. این رویداد در اصل در مورد جامعه‌ای از یهودیان پراکنده است که امکان دارد نخستین خوانندگان کتاب استر بوده باشند. در آن گذشته دور دست یهودیان وضع فعلی خود را این گونه مجسم می‌کردند. بدین ترتیب در اشتباهات زمانی و گاهشماری است که می‌توان به واقعیت پیام مندرج در این روایت نزدیک شد (ر.ک. دان ۵: ۱۳).
- h. رؤیای مردخای به همان سبک ظهور خدا بر سایرین ارائه می‌گردد که بیانی آخرت شناختی دارد (ر.ک. یول ۱: ۲-۱۱). کتاب حزقیال نیز با رؤیا شروع می‌شود (ر.ک. حزق ۱: ۱-۲۸ و نیز اش ۵: ۳۰؛ ۲۹: ۶). روی هم رفته این رؤیا سرگذشت مردخای را در ردیف سرگذشت‌های یوسف (پید ۳۷: ۵-۱۱) و دانیال (دان ۴ و ۷) قرار می‌دهد. کتاب استر با این دو شخصیت کتاب مقدسی قرابت‌هایی دارد. سرانجام آن که روایت رؤیا فرآیندی از سبک ادبی یونانی آن زمان است.
- i. نظم مصرع‌ها مربوط به متن یونانی نیست، تنها ناظر بر ایجاد قافیه و آهنگ متنی است که در این آیه الفاظ را دو به دو به هم پیوند می‌دهد (مشابه آیه ۷).

به انجامش کرده است، آن را در قلبش
نگاه داشت و تا شب به هروجه در طلب
درک آن برآمد.

دان: ۷:۲۸
لو: ۴:۱۹
دان: ۳:۲

مردخای توطئه‌ای را برای پادشاه فاش می‌گرداند

^{۱۲} سپس مردخای در دربار به همراه
جباتا و تارا، دو خواجه سرای سلطنتی که
دربار را نگاهبانی می‌کردند بازگمارده
شد. ^{۱۳} وی نقشه توطئه آنان را شنید و
کوشید بدانچه در سر دارند: دانست که
آماده دست درازی به اردشیر پادشاه
هستند. آنها را به پادشاه لو داد. ^{۱۴} پادشاه
از دو خواجه سرا بازخواست کرد، که پس از
اعتراف، بازداشت^{۱۵} شدند. پادشاه
فرمان داد این وقایع را بنویسند، مردخای
نیز آنها را نوشت. ^{۱۶} سپس پادشاه به
مردخای فرمان داد تا در خدمت دربار^{۱۷}
بماند، و وی را به خاطر آنچه انجام داده

حز: ۱۲-۱:۴۷
یول: ۴:۱۸
اش: ۹:۱
مز: ۹:۱۱
۴:۱۱۲
طو: ۱۱:۱۳
حک: ۱:۱۸:۶:۵
ملا: ۳:۲۰
مز: ۷:۵
لو: ۱:۵۲

^{۱۵} اینک دو ازدهای^{۱۸} بزرگ، هر دو آماده
مبارزه پیش می‌آمدند. آنان فریادی
دلخراش می‌کشیدند، ^{۱۹} به فریاد آنان همه
ملت‌ها آماده نبرد می‌شدند تا با ملت
عادلان بجنگند.

حک: ۲:۱۰
۲:۱۷
زک: ۱۴:۲
پول: ۲:۲
صف: ۱:۱۵
فرارسید،

بدبختی و دلهره^{۱۹}!

اضطراب و آشوب بزرگ بر زمین!

^{۲۰} ملت عادل یک پارچه به هم ریخته،
وحشت زده از بدبختی هایش، آماده^{۲۱}
نابودی گشته بودند، به سوی خدا^{۲۲} ناله سر
دادند، ^{۲۳} از ناله ایشان، درست مانند
چشمه‌ای کوچک، نه‌ری عظیم، آبی فراوان
خارج شد. ^{۲۴} نوری^{۲۵} علاوه بر خورشید
بردمید. آنگاه فروتنان برخاسته^{۲۶} اشراف را
بلعیدند^{۲۷}.

چون^{۲۸} که مردخای این خواب را دیده
بود از خواب برخاست، آنچه را خدا^{۲۹} اراده

- ج. در میان متون کتاب مقدس تنها در اینجا از مبارزه بین دو افعی سخن گفته می‌شود و در جاهای دیگر یک افعی وجود دارد (رک. دان ۲۳:۱۴-۳۰) این دو، قدرت اسطوره‌ای مخاصم در نماد نیکی و بدی‌اند. درباره افعی، رک. اش ۱:۲۷ توضیح؛ عا ۳:۹؛ ایوب ۳:۸؛ ۷:۱۲ توضیح. در متون دیگر نبرد بین حیوانات و درندگان محیرالعقول درمی‌گیرد (رک. دان ۷ و ۸).
- k. این تصویرپردازی یادآور روز خداوند است. رک. اش ۱:۹ توضیح ۵:۳۰؛ ۸:۲۲-۲۳؛ ۲۹:۶؛ عا ۱۸:۵-۲۰، متی ۲۴:۲۹.
- l. رک. روم ۹:۲ توضیح و ۳:۵ توضیح. واژه‌های این روایت به وضوح دارای رنگ و لعاب آخرت‌شناختی است.
- m. تأکید بر اندیشه آماده‌سازی: آیات ۵-۶ موضوع عبارت از تهیه مقدمات و آماده‌سازی برای جنگ مقدس است.
- n. برخلاف متن عبری که هرگز نام خدا را نمی‌برد، متن یونانی مشخصه اش کربرد نام‌های خدا یا خداوند است (۴۲ بار) و این خود نشان مذهبی‌مطمئنی است که در کتاب استر عبری وجود ندارد.
- o. رک. اش ۱:۹ توضیح.
- p. این حرکت رو به بالا (یا عکس آن: رو به پائین) یکی از مضامین اصلی این کتاب است. پس از سقوط، سرفرازی و بلندی است یا برعکس. لوی‌دیگر، از شکل انفعالی آن چنین استنباط می‌گردد که در این جا موضوع عبارت از عمل الهی است که در بافت روایت مداخله می‌کند.
- q. مضمون «خوردن» اینجا برای اولین بار در این کتاب دیده می‌شود که در سراسر روایت دارای اهمیت بسیاری است. رک. فصل ۱:۷؛ ۹. این تصویر که از انبیاء (اش ۹:۱۱؛ ار ۲۵:۱۰؛ میک ۳:۳) اقتباس شده به سود عادلان برگردانده شده است. درباره ضیافت مسیحائی رک. اش ۲۵:۶.
- r. رک. الف: ۹ توضیح.
- s. در ترجمه osty آمده: به قتل رسیدند. رک. اع ۱۲:۱۹؛ برای وضعی مشابه از همان فعل استفاده شده است.
- t. همان اصطلاح که در الف: ۲ بکار رفته است.

دان ۵:۲-۳:
۲ یاد ۱۳:۲

آنسان نشان داد. پس از دوران عروسی، به مدت شش روز، برای مللی^c که در شهر بودند^d پادشاه ضیافتی در صحن کاخ^e پادشاهی ترتیب داد. ^۶ صحن کاخ با پارچه های کتان و حریر با آویزهای کتان و ارغوان برگیره های زرین و سیمین بر ستون های مرمرین و رخام^f تزئین گردیده بود. در آنجا بر کف زمردین، صدفی و مرمرین نشیمنگاه های زرین و سیمین^g بود، و بر آن بالش هایی با گلدوزی های پر تلالؤ با گل هایی که دایره وار قرار داشتند.^۷ جام های زرین و سیمین^h، ساغری مرصع به یاقوت به بهای سی هزار تالان. شراب به وفور بود که پادشاه نیز می نوشید.^۸ در این ضیافت محدودیتی نبود، پادشاه چنین اراده کرده بود

بود، هدایائی بخشید. همچنین هامان بوغایوس^{۱۷} پسر هاماداتوس که از اشراف^v دربار بود. به خاطر ماجرای دو خواجه سرای پادشاه در صدد آزار مردخای و قومش برآمد.

مغضوب شدن آستن

^۱ دوران اردشیر بود^w. این اردشیر بر صد و بیست و هفت استان^x تا هند^y سلطنت می کرد. ^۲ در این دوران چون اردشیر پادشاه بر تخت^z خود در شهر شوش نشست، ^۳ در سومین سال سلطنتش، برای دوستانش، ملت های دیگر^a، نجبای پارس و ماد و برای فرمانداران کل^b، ضیافتی ترتیب داد. ^۴ سپس مدت صد و هشتاد روز، ثروت یهودیه^{۱۶:۱} قلمروش و سرگرمی های باشکوهش را به

ii. در هیچ جای متن یونانی، هامان به لقب اجاجی که در متن عبری آمده نامیده نشده است (رک ۱:۳ توضیح) معنای لقب بوغایوس، روشن نیست مگر آن که معنایش لافزن و خودستا باشد. این معنا نه تنها در نوشته های «هومر» حتی در نوشته های یونانی مقارن کتاب استر هم آمده است. رک. امث ۲۱:۲۴. ممکن است تغییر شکل نام «باگواس» باشد [باگواس خواجه] که خشایارشاى سوم را زندانی کرد (۳۵۹-۳۳۸) [رک. به تاریخ هخامنشیان].

v. همان واژه ای که در الف: ۱۰ بکار رفته است.

w. تحت اللفظی: سپس. «حرف ربط» به کار رفته در این باب آن را به باب قبلی متصل نمی کند. در کتب دیگر عهد عتیق نیز آغاز مطلب با این ضوابط قالبی و یکسان است که به نظر می رسد مراحل روایت را به وراى مطالب کتاب مرتبط می سازد. (رک. یوشع ۱:۱؛ داور ۱:۱؛ روت ۱:۱؛ ۱-مک ۱:۱)

x. همان شماره مذکور در دانیال ۲:۶ (هفتاد تنان). این رقم همیشه جنبه نمادین دارد -۷+ (۱۰×۱۲) - که نشانه سلطه جهانی اردشیر است (رک. ب: ۲).

y. استر عبری می افزاید: تا همیشه. رک. متن یونانی ۱۲:۳؛ ب: ۱؛ ۸:۹؛ ت: ۱.

z. استر عبری می افزاید: پادشاهی.

a. یعنی بیگانگان.

b. تحت اللفظی: رؤسای ساتراپ ها.

c. تنها ملت ها به این ضیافت تازه دعوت شده بودند. متن استر عبری برگردان دیگری دارد: تمام افرادی که در قلعه شوش بودند. دید استر یونانی جهان شمول تر است.

d. استر عبری می افزاید: از مشخص ترین تا پست ترین.

e. استر عبری: صحن باغ کاخ.

f. در تشریح تزئینات، متن یونانی مشروح تر از متن عبری است و با آب و تاب از تفصیلی که زینت افزای محل شده است داد سخن می دهد.

g. مدعوین برای صرف غذا بر این نیمکت ها تکیه می دادند رک. حزق ۲۳:۴۱؛ عا ۴:۶.

h. در آغاز این آیه، استر عبری می افزاید: می نوشیدند.

پادشاه بودند و در ردهٔ نخست P در کنار پادشاه می نشستند پیش آمدند. ۱۵ آنان آنچه را برابر قوانین دربارهٔ ملکه آستن باید انجام می شد، با توجه به آن که وی تصمیمات پادشاه را که توسط خواجه سرایان ابلاغ شده بود به جای نیاورده بود به وی گوشزد^۹ نمودند. ۱۶ موخائوس، رشتهٔ سخن را در حضور پادشاه و وزیران بدست گرفت: تنها پادشاه نیست که ملکه آستن وی را سرافکننده کرده است، بلکه همه وزیران و همه فرمانروایان سلطنتی را. ۱۷ پادشاه در واقع سخنان ملکه و طرز پاسخ دادن وی را برایشان بازگو کرده بود، به همان شکلی که او به اردشیر پادشاه پاسخ داده، ۱۸ به همان شکل بانوان وزیران پارس و ماد همین که از پاسخ وی به پادشاه مطلع شوند، جرئت نموده شوهرانشان^F را مورد بی حرمتی مشابه قرار خواهند داد. ۱۹ اگر پادشاه را خوش آید، فرمانی شاهانه که در

و به خوان سالار فرمان داده بود برابر خواست وی و هر یک [از میهمانان] عمل کند. ۹ آستن^۱ ملکه نیز بزمی برای زنان در کاخ پادشاهی که اردشیر پادشاه نیز در آن بود، ترتیب داد. ۱۰ روز هفتم^J پادشاه سرحال^k بود، در آن وقت به هامان، بازان، تارا، بورازه، زاطلط، اباتازا و تارابا^۱ - هفت^m خواجه سرای که در خدمت اردشیر پادشاه بودند گفت^{۱۱} تا ملکه را برای جلوس بر تخت و دیهیم بر سر نهادن و نمایاندن جمالشⁿ به وزیران و ملل به حضور وی آورند، از آنجا که بسیار زیبا بود! ۱۲ اما آستن ملکه از آمدن با خواجه سرایان امتناع ورزید. پادشاه که آزرده شده بود، به خشم آمد. ۱۳ به دوستانش^o گفت: «آیا آستن چنین پاسخ داده است؟ بسیار خوب، رأی داده و در این مورد قضاوت نمائید.» ۱۴ سپس ارکسائوس، سارساتایوس و مالزار، وزرای پارس ها و مادها، که نزدیک

پهوپه ۸:۷:
۱۲:۱۲-۱۳

۱. ملکه آستن در خارج از این روایت ناشناخته است. هرودوت از ملکه آمستریس (Amestris) همسر اردشیر نام می برد. اما از آستن و استر نام نمی برد، رک. استر عبری ۹:۱ توضیح.
۲. برابر آیه ۵، ضیافت نباید بیش از ۶ روز طول می کشید اما استر عبری از مدت هفت روز سخن می گوید. رک. ۱۸:۲ توضیح.
۳. استر عبری می افزاید: تحت تأثیر شراب.
۴. در این فهرست نام یکی از دو خواجه سرای مذکور در الف: ۱۲ به میان می آید: تارا، باز باید به نام هامان توجه کرد. (رک. الف: ۱۷) مسلماً در اینجا منظور شخص دیگری است. در واقع وی خواجه است در حالی که دیگری ازدواج کرده (۱۳:۶) و پدر ۱۰ پسر می باشد (۹:۱۰)! مگر اینکه با چشم پوشی از مطالب غیر واقعی، نویسنده خواسته باشد وی را شریک مغضوب گردیدن آستن گرداند.
۵. رقم هفت دو بار در این آیه آمده. پیرامون پادشاه را هفت مشاور فراگرفته اند: رک. عزرا ۷:۱۴.
۶. هرودوت تأکید می کند که این نمایش در مورد صیغه های دربار رسم بوده است. این زیبایی طبیعی کمتر با پوشش های زنانه از انظار مخفی می شده است. (رک. همین واژه در حزق ۲۵:۱۶).
۷. منظور عنوانی افتخاری است (رک. ه: ۵). این امتیاز در ۱- مک ۱۸:۲ و نیز در ۲- مک ۸:۹ یافت می شود.
۸. رک. به دان ۷:۵ توضیح. به نظر می رسد که باز در اینجا اتحادی سه جانبه (Triumvirat) بین سه کارگزار در رأس حکومت برقرار است.
۹. برابر استر عبری، پادشاه ستاره شناسان را می طلبد. در متن یونانی، وزیران برابر دستور صادره در آیه ۱۳ در مقام پاسخگویی به پادشاه هستند.
۱۰. در لحن کلام افراط به عمل آمده و اغراق آمیز است. این رویداد اندرون کاخ می توانست گسترش بیش از حدی یابد.

قوانین مادها و پارس ها ثبت خواهد شد صادر کند. که رویه دیگری در کار نخواهد بود! و دیگر این که ملکه به پادشاه که عنوان ملکه را به زنی بهتر از او خواهد سپرد نزدیک نشود.^{۲۰} و قانونی که توسط پادشاه^{۱۹} صادر شود اعلام گردد، که در قلمروش به اجرا درخواهد آمد.^{۱۸} با این کار، همه زنان از فقیرترین تا دارا ترین، شوهرانشان را مراعات خواهند کرد.^{۲۱} از این مطلب، پادشاه و وزیران را خوش آمد. و پادشاه برابر پیشنهاد موخائوس اقدام کرد.^{۲۲} و در سراسر کشور به هر استانی^{۱۱} برابر زبانشان نامه هائی فرستاد، به طوری که مردم را در خانه هایشان ترس برداشت.^۷

ذکری نکرد. آنگاه مقامات رسمی در خدمت وی گفتند: «برای پادشاه به دنبال دختران جوان باکره و زیبا منظر برآئیم^x.^۳ و پادشاه مأمورانی در همه استان های قلمروش بگمارد تا آنان دختران جوان دان^{۱:۳} باکره زیبا منظر را برای فرستادن به شهر شوش به حرم برگزینند و آنان به خواجه سرای سلطنتی، نگهبان زنان سپرده شوند. به آنان صمغ زیبایی داده شد و دیگر نیازهای مراقبتی آنان تأمین گردد.^۴ زنی که پادشاه را خوش آید به جای آستن سلطنت خواهد کرد». موضوع پادشاه را خوش آمد و به همان ترتیب اقدام کرد.

شهر شوش، شخصی یهودی^۷ به نام مردخای از تبار یائروس، سمیا، کیسائیس از قبیله بنیامین بود؛^۶ وی یک تبعیدی^z بود، از اورشلیم^a می آمد که نبوکدنصر، پادشاه بابل به تبعید^b آورده بود.^۷ وی در آن زمان قیم کودکی بود، دختر عمیناداب عموی خود؛ آن دختر استر^c نامیده می شد. وی والددینش را از دست داده بود و

منزلت یافتن استر

۲ پس از این وقایع، همین که خشم پادشاه آرام گرفت، با به خاطر داشتن اعلام های خویش و شیوه ای که با آن آستن^w را محکوم ساخته بود دیگر از وی

s- معنایش می تواند همان باشد که در استر عبری آمده که کلمه به کلمه دنبال شده است.

t- استر عبری می افزاید: هر قدر هم بزرگ باشد!

u- استر عبری می افزاید: برابر خط خودشان و به هر قوم...

v- این فصل با چشم اندازی گسترده به پایان می رسد. همچنین در ۱۵:۳؛ ۱۶:۸؛ ۱۷:۸. دورنما در پایان این فصول گسترش می یابد تا پژواک رویدادها را نشان دهد. در اینجا تقدیمی بر ۲-۳ وجود دارد.

w- یعنی آنکه آستن دیگر توسط پادشاه فراخوانده نشد (ر.ک. ۱۴:۲) و دیگر در شمار صیغه های وی نبود.

x- ر.ک. هرودوت (Hérodote III,97).

y- برخلاف شرح مذکور در الف ۱-۲، متن یونانی قبلاً حتی قبل از آن که نام مردخای برده شود متذکر می گردد که وی یهودی است. این جابه جایی حائز اهمیت است: از همان آغاز ماجرا به نظر می رسد این مرد در اینجا نمونه نژاد یهود معرفی می گردد. (ر.ک. ۱۳:۵؛ ۱۳:۶).

z- مردخای در اینجا به عنوان شخصیت مهمی در دربار پادشاه معرفی نشده (ر.ک. الف: ۲) این فصل بیشتر به استر ارزش می بخشد. a- ساختار جمله با الف: ۳ متفاوت است، در اینجا اورشلیم است که به تبعید برده می شود. با ذکر این شهر، متن یونانی در مورد این آیه به همان متن عبری درمی آید.

b- استر عبری می افزاید: با «یهویا قیم» پادشاه یهودیه. ر.ک. الف: ۳ توضیح.

c- متن عبری و یونانی در این مورد یکسانند: استر دختر عموی مردخای است. در مورد عمیناداب ر.ک. خروج ۶:۲۳؛ روت ۱۹:۴-۲۰؛ ۱-توا ۲:۱۰؛ ۱۱:۱۵.

شدن سایهٔ مردخای^a گردیده در صدد کشتن^b الف. ۱۲-۱۶
 اردشیر پادشاه برآمدند.^{۲۲} اما مردخای به
 ماجرا پی برد و خبرش را به استر داد که او
 نیز عوامل توطئه را بر پادشاه فاش کرد.
^{۲۳} پادشاه از دو خواجه سرا بازخواست کرد
 و آنان به دار آویخته^c شدند. به پاس آن،
 پادشاه فرمان داد این وقایع را در کتابخانهٔ الف. ۱۵
 سلطنتی ثبت نمایند تا خاطرهٔ خدمت
 ارزندهٔ مردخای باقی بماند.

هامان و یهودیان^d

پس از این وقایع، اردشیر پادشاه
 هامان بوغایوس^e، پسر
 همدانائوس را به مقامی بلند منصوب کرد؛

کرد. آنگاه پادشاه، دیهیم همسرش^s را بر
 سر او نهاد.^{۱۸} سپس برای همهٔ دوستان و
 همه قدرتمندان، پادشاه ضیافتی^t به مدت
 هفت روز بیاراست و جشن عروسی^u خود را
 با استر بر پا کرد. و همهٔ رعایای قلمروش^v
 را از مالیات معاف نمود.

^۹ مردخای^w در دربار خدمت می کرد.
^{۲۰} استر وطنش^x را آشکار نگردانیده بود و این
 توصیه ای^y بود که مردخای وقتی با او بود به
 وی کرده بود: خدا ترسی و انجام فرمان های او،
 درست همان طور که وقتی با
 وی بود عمل می کرد. استر رفتارش را تغییر نداد.
^{۲۱} دو خواجه سرای دربار^z که رؤسای
 محافظان جان پادشاه بودند متوجه نزدیک

جا: ۱۳:۱۲
 بنسب: ۱۱-۲۰
 مک: ۲:۲

S- متن یونانی نمی گوید که در اینجا استر، به سمت ملکه جدید منصوب گردیده بلکه وی همسر پادشاه می شود. با متن عبری استر که می افزاید: «و به جای وشتی وی را ملکه می گرداند» مقایسه کنید. با وجود این ر. ک. ۴:۲ و متن یونانی که استر را ملکه می نمایاند. (۴:۴؛ ج: ۱۲ و غیره).

T- ضیافتی جدید (ر. ک. ۳:۱. توضیح در الف: ۱۰) که هفت روز طول می کشد (ر. ک. ۱۶:۲ توضیح) یعنی یک روز بیش از آنچه در ۵:۱ آمده است (ر. ک. ۱۰:۱ توضیح). مدت این ضیافت که در متن استر عبری تعیین نشده نسبت به متن یونانی حائز اهمیت بیشتری است. درباره لذات شب زفاف ر. ک. طو ۱۹:۸-۲۰.

U- استر عبری در این آیه اشاره ای به عروسی ندارد. اما به ۱۷:۲ رجوع شود. متن یونانی سه بار (۱:۵؛ ۲:۱۸؛ ۹:۲۲) اشاره به عروسی هائی دارد که ارتباطی با استر عبری ندارند.

V- استر عبری می افزاید: و وی شاهانه داد و دهش کرد.

W- ر. ک. الف: ۲، الف: ۱۶، ۱۰:۶، در آغاز این آیه استر عبری می افزاید: و وقتی دوشیزگان برای بار دوم گرد آمدند.

X- استر عبری می افزاید: نه قوم خود (ر. ک. ب: ۴ توضیح).

Y- آغاز این آیه، تکراری از آیه ۱۰ است. باید پذیرفت که این سفارش به لحاظ خوانندگان از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. در استر عبری نیز همچنین است اما متن یونانی پایان آیه را تغییر می دهد و قسمت تکرار شده را تصحیح کرده نام خدا را در آن وارد می کند (ر. ک. الف: ۹ توضیح).

Z- در آغاز استر عبری می افزاید: در این روزها، هنگامی که مردخای ساکن درگاه شاهی بود...

a- در متن روشن نیست به چه علتی ارتقاء یافته بود. آیا برای آن بوده که استر به خلوت پادشاه درآمده بود؟ روایت توطئه نیز تکراری از الف ۱۳-۱۶ است. به هر حال این روایت دوم با روایت اولی تفاوت دارد. باب ۱، الف: ۱۳: مردخای مستقیماً توطئه را بر پادشاه فاش می گرداند. ۲:۲۲: مردخای، استر را آگاه می کند و او نیز به نوبهٔ خود توطئه را بر پادشاه فاش می گرداند. باب ۲، الف: ۴: خواجگان دستگیر می شوند، ۲:۲۳ و به دار آویخته می گردند. باب ۳، الف: ۱۶: پادشاه به مردخای هدیه می دهد؛ ۲:۲۳: پادشاه هدیه ای نمی دهد - صحنه آرائی این مرحله در اینجا کمتر برای مردخای امتیازی دربر دارد (ر. ک. الف: ۲ توضیح و ۶:۲ توضیح).

b- اصطلاح دست درازی که اینجا در استر عبری دیده می شود، قبلاً در الف: ۱۳ به کار گرفته شده بود.

c- درباره این عقوبت خفت آور ر. ک. تث: ۲۱-۲۲-۲۳.

d- پس از به قدرت رسیدن مردخای (۲:۲) نوبت هامان فرامی رسد. نویسنده نقطهٔ اوج روایت خود را معطوف به رودروئی دو مرد بزرگ می کند. (ر. ک. الف: ۵).

e- تحت اللفظی: هامان را برافراشت. همین فعل در الف: ۱۰ نیز آمده است (ر. ک. توضیح). در مورد نام هامان ر. ک. الف: ۱۷ توضیح. در استر عبری دارای نام خانوادگی «اجاجی» است.

وی را برکشیده، در رده نخست دوستانش جای داد^f. همه^g درباریان^h، همان طوری که پادشاه به واقع فرمان^h داده بود در برابر وی تعظیم می کردند اما مردخایⁱ در برابر هامان تعظیم نمی کرد^j.^{دان ۸:۳، ۱۲} درباریان پادشاه^k آنگاه به مردخای گفتند: «چرا آنچه را پادشاه گفته است رعایت نمی کنی؟»^۳ هر روز با وی گفتگو می کردند اما او به آنان گوش نمی داد. آنگاه به هامان اطلاع دادند که مردخای در برابر آنچه پادشاه گفته است مخالفت می کند. مردخای بر آنان افساء کرده بود که یهودی^۱ است.^۵ وقتی هامان متوجه شد که

مردخای^m در برابرش تعظیم نمی کند، به خشم آمد. ^۶ وⁿ قصد نابودی^o همه یهودیان^{الف ۱۷:۵} سرزمین اردشیر^p را کرد. ^۷ در دوازدهمین سال سلطنت اردشیر فرمانی^q صادر کرد و به منظور یک روزه نابود کردن نژاد مردخای^r، روز و ماه را قرعه^s کشید^t. قرعه^{بول ۳:۴} به چهاردهمین روز ماه آدار اصابت کرد.^{یح ۳۵:۱۰}

^۸ آنگاه هامان به اردشیر پادشاه گفت: ^{۵:۵:۵} «ملتی^u هست پراکنده^v در میان ملل در سراسر قلمرو تو^w. قوانین آنان با سایر ملل کاملاً متفاوت است و توجهی به قوانین پادشاهی^x ندارند. پادشاه را از راحت آنها سودی نباشد. ^۹ اگر پادشاه را خوش آید،

f. ر.ک. ۱۳:۱ توضیح.

g. استر عبری می افزاید: کهر بارگاه پادشاه بودند زانو خم کرده...

h. استر عبری می افزاید: به اتباع خود.

i. استر عبری می افزاید: زانو خم نکرده و ...

j. ر.ک. استر عبری ۲:۳ توضیح.

k. استر عبری می افزاید: حاضر بر در پادشاهی (ر.ک. آیه ۲).

l. سفارش به استر (۱۰:۲) در مورد مردخای مورد نداشت. ر.ک. ۵:۲ توضیح.

m. استر عبری می افزاید: زانو خم نکرده و ... (ر.ک. آیه ۲).

n. ر.ک. استر عبری در مورد ابتدای آیه که در بسیاری از نسخ یونانی وجود ندارد.

o. استر عبری می افزاید: یعنی قوم مردخای... از یک بار دیگر در اینجا از واژه قوم در متن یونانی برهیز شده است آن هم به خاطر معنا و مفهوم مذهبی آن (مشابه: ۱:۲۲، ۲:۲۰، ۳:۸، ۳:۱۲).

p. درگیری شخصی بین هامان و مردخای یهودی (ر.ک. ۵:۲ توضیح) نتیجه یافته و تبدیل به قضیه دولتی می گردد. باز همان روش اغراق گوئی (۱۸:۱ توضیح) درباره آستن اینجا هم دیده می شود. این ارتقاء رتبه که قبلاً ذکر شد (۲۲:۱ توضیح) درست به اندازه خود روایت (اگر نه بیشتر از آن) شامل روایاتی افسانه ای است.

q. در آغاز، متن استر عبری می افزاید: ماه اول که ماه نیشان است...

r. استر عبری می افزاید: قرعه یعنی... (ر.ک. ۲۶:۹)

s. تحت اللفظی: طاس انداختن. واژه تقدیر در حکم واژه کلیدی این کتاب است. (ر.ک. پ: ۱۰، ۹:۲۶) قرعه کشی نیز توسط یهودیان برای تعیین تاریخ به کار برده می شد (ر.ک. نح ۳۷:۱۰ = عز ۲۰:۳۵ در متن هفتم تنان). در بقره تاریخ معین ر.ک.

استر عبری ۷:۳ توضیح.

t. مردخای نمونه مرد یهودی است (ر.ک. ۵:۲ توضیح) همان طور که یهودیه بنت مراری نمونه زن یهودی بود.

u. استر عبری الف: قوم (ر.ک. ۶:۳ توضیح) و می افزاید: خاص. پس از آن که مطلب جنبه نژادپرستی پیدا می کند (آیه ۷)، موضوع در دهان هامان اهمیت سیاسی می یابد (برابر نام ملت). هامان از یهودیان نام نمی برد بلکه به نظر می رسد حافظ منافع عالی دولتی است، بدون آن که کوچکترین اشاره ای مذهبی کرده باشد. بدین ترتیب درگیری علیه مردخای با استدلال های هامان کاملاً سر و صدا راه لفاخته بود. [ما در ترجمه فارسی به تبعیت از ترجمه سایر متون عهد عتیق همه جا **people** را قوم و **nation** را ملت (یا مشرک برحسب مورد) ترجمه کرده ایم].

v. استر عبری می افزاید: و جدا... .

w. استر عبری: در سراسر استان های قلمرو تو.

x. این تظلم و شکایت علیه یهودیان در متون خارج از کتاب مقدس، در دیگر متون یونانی باستان هم دیده می شود.

نامه محکومیت^h

ب اینک رونوشت نامه: «پادشاهⁱ بزرگ، اردشیر به وزیران و امرای زیردست صد و بیست و هفت استان از هند گرفته تا حبشه چنین می نویسد:

^۱ من که امپراتوری خود را بر بیشماری از ملل و قدرتم را بر سراسر زمین گسترده‌ام، اراده کرده‌ام - بدون آن که از غرور قدرت سرمست شوم بلکه برعکس همواره با خیرخواهی و ملایمت بسیار حکومت کرده‌ام - تا زندگی اتباع خود را بی تشویش نگاه داشته کشور را متمدن و ^۲ امنیت‌آرا تا مرزها برقرار گردانم و صلحی برقرار کنم که همه مشتاق آنند.

^۳ وقتی با مشاوران خود مشورت کردم که چگونه به این هدف‌ها می‌توان رسید، همان که در بین ما به حکمت برجسته است و همواره خدمات ارزنده و وفاداری مطمئن خود را به تجربه به اثبات رسانده و عنوان دومین شخصیت^k کشور را دارد، هامان؛

تصمیم به نابودی آنها بگیرد. آنچه مراست من به حساب خزانه سلطنتی رقمی معادل ده هزار تالان نقره^۷ تعهد خواهم کرد». ^{۴۱:۴۰-۴۲} پس پادشاه انگشتری^z خود را درآورد و در دست هامان^a نهاد تا وی نامه‌های ضدیهود را مهر کند. ^{۱۱} پس پادشاه به هامان گفت: «پول را نگاه دار! و با این قوم به میل خود رفتار کن.» ^{۱۲} پس کاتبان سلطنتی در سیزدهمین [روز] از ماه نخست دعوت شدند و طبق دستورهای هامان به سرداران و به وزیران هر استان از هند گرفته تا حبشه، به صد و بیست و هفت استان و به رؤسای ملل^b طبق زبان آنان^c، به نام اردشیر پادشاه^d نوشتند. ^{۱۳} سپس قاصدان به قلمرو اردشیر گسیل شدند تا تنها در یک روز^e، در ماه دوازدهم یعنی ماه آدار^f نژاد یهود^g را از بین برده اموالشان را غارت کنند.

y. این مبلغ به نظر مبالغه‌آمیز می‌آید، به خصوص در مقام مقایسه با دیگر اسناد تاریخی.

z. ک. استر عبری. متن یونانی برای رساندن معنای انگشتری که بدست می‌کند فقط از یک کلمه استفاده می‌کند. با توجه به این که انگشتر (خاتم) به جای مهر شاهی هم به کار می‌رفته و اسناد رسمی با آن مهور می‌گردیده، از همان لحظه هامان به میل و اراده خود می‌توانست عمل کند و به تصمیمات خود جنبه قانونی بدهد. به این ترتیب از بار مسئولیت پادشاه کاسته می‌شد.

a. استر عبری می‌افزاید: پسر همدانا اجاجی، دشمن یهودیان.

b. استر عبری می‌افزاید: به هر استان برابر خط و به هر قوم ...

c. استر عبری می‌افزاید: نوشتند.

d. استر عبری می‌افزاید: و با انگشتری پادشاه مهر می‌شد.

e. استر عبری: همه یهودیان (ر.ک. ۶:۳-۷). متن یونانی بر خصلت نژادی منازعه تأکید بیشتری دارد (ر.ک. ۱۰:۲).

f. استر عبری می‌افزاید: سیزده ر.ک. ۷:۳ (یونانی: چهاردهمین).

g. ر.ک. ۷:۳ توضیح. از آنجا که فرمان روز سیزدهم نisan نوشته شده بود، همین فرصت یازده ماهه‌ای پیش از تاریخ اجرای آن بوجود می‌آورد، چهاردهمین روز ماه آدر (ر.ک. آیات ۷ و ۱۲). این موعد زمانی به نظر کمتر واقعی می‌رسد.

h. لحن این متن مؤکد است. جملات در دوران‌های وسیعی بسط و توسعه می‌یابند. سبک آن با بقیه کتاب یونانی کاملاً تفاوت دارد (به جز فصل‌ها) ر.ک. ۳-مک ۱۲:۳-۳۰: متن مشابه.

i. عنوان مرسوم در مورد پادشاهان پارس، ر.ک. اش ۳۶:۴، ۱۳.

j. یعنی اداره و تأمین امنیت در راه‌ها جهت تسهیل ارتباطات. یهودیان در دوران باستان هم بازرگانان بسیار درخشانی بوده‌اند.

k. عنوان افتخاری، ر.ک. ۱:۳.

ریشه کن شوند.^۷ تا این بدخواهان امروز مانند دیروز یک باره در یک روز به دوزخ^۹ سرنگون گردند تا در آینده امور به طور دائمی ثبات یافته و عاری از اغتشاش باشد^۸».

۳^۴ رونوشت نامه‌ها به هر استانی^۵ توشیح گردید و به همه ملل^۶ دستور الف. ۶ داده شد که برای روز بازگو شده آماده^۷ باشند. ^۸ اجریان امر حتی در شوش به خوبی پیش رفت و در حالی که پادشاه و هامان به باده‌گساری پرداخته بودند، شهر درهم ریخته بود^۹.

الف. ۴: ۷-۸

استر و قوم او

۴^۱ مردخای که موضوع را دانست رخت بر تن درید، پلاس در بر کرده بر سرش خاکستر^۲ ریخت و در خیابان بزرگ شهر به حرکت درآمده با صدای بلند^۳ فریاد می‌کشید: «دارند یک ملت بی‌گناه را نابود می‌کنند!» آسپس تا دروازه شاهی پیش رفت و در آنجا ایستاد،

۴ به ما نشان داده است که در میان سراسر قبایل پراکنده بر روی زمین قومی^۱ بدخواه درآمیخته است که به قوانین خود با سایر ملل از در مخالفت درآمده و مرتباً از اجرای مقررات پادشاهی سر باز می‌زند تا حکومت مشترکی که ما با راستی و بی‌نقص اداره می‌کنیم استقرار نیابد.

۵ با وقوف به این امر که این قوم تنها قومی است که دائم با افراد از در مخالفت برمی‌آیند و با پیروی از قوانین نامأنوسشان، خود را برکنار و جدا نگاه می‌دارند و با اقدامات ما مخالف‌اند و بدترین کارها را مرتکب می‌گردند. - و همه این‌ها برای آن است که کشور ثبات پیدا نکند،^۶ بنابراین به شما امر می‌کنیم که آنانی^m را که هامانⁿ، که در حکم پدر^o دوم ماست و مأمور این امور می‌باشد، کتباً به شما اعلام می‌دارد، همه آنها، از جمله زنان و کودکان با شمشیر دشمنانشان بدون هیچ ترحم و هیچ ملاحظه‌ای، روز چهاردهم دوازدهمین ماه (آدار) سال جاری^p باید

۱. این واژه تاکنون در متن عبری مورد احتراز قرار گرفته است (البته به جز الف: ۱۷) (ر. ک. ۳: ۶ توضیح). منظور از آن نژادی بومی یا سیاسی نیست بلکه این بار معنای آن مذهبی است (ر. ک. پ: ۸) ضمناً باید متوجه بود که یهودیان به صراحت نام برده نشده‌اند (ر. ک. دان ۳: ۱۲. عز ۴: ۱۲-۱۵؛ حک ۲: ۱۵).

m. باز نامی از یهودیان برده نمی‌شود (ر. ک. ب: ۴ توضیح).

n. اشاره به متن دیگری که در آن از یهودیان نام برده شده است.

o. عنوان وزیر بزرگ [نخست وزیر - صدراعظم] (ر. ک. ب: ۳. پید ۴۵: ۸ در مورد یوسف در مصر).

p. ر. ک. ۷: ۳ و ۱۳: ۳.

q. وادی مردگان ر. ک. ۲-مک ۶: ۲۳؛ بنسی ۱۷: ۲۷؛ ۲۱، ۲۸؛ ۲۱، ۲۸؛ حک ۱: ۱۴، ۱۶: ۱۳.

r. ر. ک. ب: ۲.

s. استر عبری: به عنوان فرمان.

t. استر عبری: واژه قوم به جای ملت آمده (ر. ک. ۳: ۶ توضیح).

u. در اینجا باز به مضمون بزم برمی‌خوریم (ر. ک. ۱: ۱۰).

v. ر. ک. ب: ۷ (از همان ریشه).

w. نشانه ماتم و درد عاطفی و همچنین ابراز توبه. ر. ک. پید ۳۷: ۳۴؛ یول ۱: ۶؛ دان ۳: ۹. عز ۳: ۹-۴، نج ۹: ۱، یهودیه ۹: ۱۰-۹: ۱-مک ۳: ۴۷؛ ۲-مک ۱۴: ۱۵.

x. همان اصطلاح که در الف: ۵ هم آمده است.

طلب عفو کرده و به خاطر قومش تضرع کند. «روزهای ناتوانی^e خود را به یاد آور که چگونه با دست من تغذیه شده‌ای: زیرا هامان که شخص^f دوم است برضد ما با پادشاه سخن گفته تا ما را به کشتن بدهد. از درگاه خدا بطلب! با پادشاه درباره‌ی ما حرف بزن! ما را از چنگال مرگ برهان!»^۱ هاخارتوس، همه حرف‌ها را برای استر باز آورد. ^{۱۰} آنگاه استر به هاخارتوس گفت: «برو و به مردخای بگو: ^{۱۱} همه ملل این قلمرو^g نیک می‌دانند که هرکس از مرد و زن بدون آنکه فراخوانده شده باشد به صحن اندرونی، نزد پادشاه وارد شود، شانس برای نجات^h نخواهد داشت، مگر آن کس که پادشاه چوگان طلائی خود را [به سویش] دراز کند: آن کس نجات خواهد یافت. آنچه مراست، سی روز است که برای تقرب نزد پادشاه^۱ فراخوانده نشده‌ام». ^{۱۲} هاخارتوس مردخای را در جریان تمام سخنان استر قرار داد. ^{۱۳} پس مردخای به هاخارتوس گفت: «برو به استر بگو: مگو که در سراسر کشور، برخلاف همه یهودیان تنها تو از

زیرا اجازه نداشت پوشیده از پلاس و خاکستر وارد صحن کاخ شود^۱.
^۳ آن‌گاه در هر استانی که در آن نامه‌ها توشیح گردیده بود، ناله و ماتم سر داده^z بر سر و سینه خود می‌زدند و سوگواری بزرگی برای یهودیان بود که همه پلاس دربر کرده بر خاک و خاکستر^a نشسته بودند.
^۴ ندیمه‌ها و خواجه سرایان ملکه آمده وی را در جریان امر قرار دادند و وی وقتی دانست چه روی داده است بسیار اندوهگین گردید. ^۵ آنگاه لباس بفرستاد تا مردخای پلاس^b از تن درآورده آن را بپوشد. آنگاه استر هاخارتوس، خواجه سرای خود را که در اختیارش بود فراخواند و وی را فرستاد تا برایش اطلاعات دقیق از مردخای آورد.
^۷ آنگاه^c مردخای آنچه روی داده بود و وعده‌ای که هامان در مورد ده هزار تالان برای خزانه داده بود تا یهودیان را نابود کند برایش فاش کرد. ^۸ همچنین یک نسخه از آنچه در شوش درباره نابودی آنها توشیح گردیده بود به وی سپرد تا به استر^d نشان دهد. افزوده بر این، به او اعلام کرد که به استر دستور می‌دهد نزد پادشاه رفته از وی

y. ر.ک. استر عبری ۲:۴ توضیح.

z. استر عبری: اشاره دوباره به روزه که مجدداً در ۱۶:۴ ذکر می‌شود.

a. ر.ک. ۴:۱ توضیح.

b. آیا استر می‌خواست که مردخای وارد صحن شود تا مستقیماً اطلاع حاصل کند؟ با افشا کردن رابطه‌شان به این شکل (ر.ک. ۱۰:۲) مأموریت استر به خطر افتاد و لذا عدم موافقت وی بدین خاطر بود.

c. آیه ۶ در متن یونانی نیست اما در متن عبری هست.

d. استر عبری می‌افزاید: برای آگاه کردن وی.

e. ر.ک. الف: ۱۰ (همان ریشه) و ۷:۲. استر علی‌رغم امتیازی که به عنوان ملکه داشت نباید اصل و تبار و نیز مذهبش را فراموش می‌کرد.

f. ر.ک. ب: ۳ و ب: ۶. چنین نیز می‌توان درک کرد: هامان، شخص دوم پس از پادشاه، برضد ما حرف زده است.

g. استر عبری: همه خادمان پادشاه و اقوام استانهای پادشاهی (ر.ک. ۳:۶ توضیح).

h. هرودوت نیز این را تأیید می‌کند (۱:۹۹:۳-۱۱۸:۱۱۹).

i. ر.ک. ۱۴:۲ و ۵:۶. خواجه سرایان از متعه‌های پادشاه در حرم به دقت مراقبت می‌نمودند و زنان تابع ارائه پادشاه بودند.

خطر خواهی جست.^{۱۴} زیرا در چنین موقعیتی اگر گوشه‌ای را ببندی، از جای^k دیگری یاری و حمایت برای یهودیان خواهد رسید، در حالی که تو و خانواده‌تو نابود خواهند شد. بنابراین چه کسی می‌داند؟ شاید برای چنین موقعی بوده است که تو به سلطنتی رسیده‌ای^{۱۵}...؟ استر آن کس را که به نزدش فرستاده شده بود بازپس فرستاد و گفت به مردخای بگویند: «برو یهودیانی را که در شوش هستند گردآور و برای من روزه بگیر: در مدت سه روز، نه در روز و نه در شب نخورید و نیاشامید. من نیز با ندیمه‌ام، خود را از غذا^m محروم خواهیم کرد. این به جای خود، علی‌رغم قانون، حتی اگر باید نابود گردم نزد پادشاه خواهم رفت». ^{۱۷} مردخای رفت تا آنچه را استر به او گفته بود انجام دهد.

نیایش مردخای:

ج ^۱ با یادآوری همه اعمال خداوند، با خداوند نیایش کرده^۲ گفتⁿ: «خداوند، خداوند، پادشاه قادر مطلق: از آنجا که جهان در قدرت توست،

بنسی ۱۵:۴۲
۸:۵۱
دان ۱۴:۳-۹
بار ۱۵:۱-۱۵:۳
اش ۳۷:۱۵-۲۰
مز ۴۷:۳

پس مخالفی نداری
هرگاه مایل هستی، اسرائیل را برهان،
^۳ زیرا توئی که آسمان و زمین را آفریدی
و همه شگفتی‌هایی که بر آن در زیر
آسمان وجود دارد،
^۴ پس تو خداوند همه چیز هستی
و خداوند، احدی نیست که در برابر تو
مقاومت کند.

^۵ تو بر همه چیز آگاه هستی
تو خوب می‌دانی خداوند
که نه از بی بند و باری،
نه غرور و نه جاه‌طلبی است که این کار
را کرده‌ام:
در برابر هامان متکبر^o سر تعظیم فرود
نیآورده‌ام
^۶ زیرا من برای نجات اسرائیل به لیسیدن
پاهایش^p راضی بودم.
^۷ اما این کار را کرده‌ام

اش ۴۲:۸
۱۱:۴۸

تا افتخار انسان را
برتر از افتخار خدا قرار ندهم^q؛
من در برابر احدی سر تعظیم فرود
نخواهم آورد
مگر در برابر تو، خداوند من؛

ژ. فعل عبری هم به معنای گنگ و لال و هم ناشنوا است. متن یونانی معنای دوم را در نظر گرفته است.
k. ر. ک. استر عبری ۱۴:۴ توضیح. متن یونانی هم نام منجی را نمی‌برد. این سکوت تا به آن حد چشمگیر است که متن یونانی در به کار بردن نام خدا در سایر قسمت‌ها تردید نمی‌کند (الف: ۸؛ ۲: ۲؛ پ: ۱۴).
l. خدا (به طور ضمنی) نمی‌توانست تاریخ نجات را بدون همکاری و مسئولیت بشر که خود در آن سهمی دارد هدایت کند.
m. روزه پیش درآمد سعی و کوشش سخت است و وسیله‌ای برای دور کردن بدبختی یا شکست، ر. ک. یول ۱: ۱۴؛ دان ۳: ۹، ۲۰؛ ۳: ۲۰؛ یهودیه ۹: ۴-۱۵؛ ۲-۲ مک ۱۳: ۱۲.
n. خاطره‌های عهدین در این نیایش که سرشار از آرامش و ایمان به خدائی است که عارف قلوب بشر می‌باشد و پیمان خود با آنان را به یاد می‌آورد موج می‌زند. جو و محیط این قسمت از بقیه کتاب آرام‌تر است. مردخای سخنی از انتقام بر زبان نمی‌راند (ر. ک. نیایش یهودیه ۲: ۹ ادامه). پیش از هر چیز در فکر شکوه خدا است که بشر باید به آن خدمت کند.
o. ۱-۱ مک ۱: ۲۱ و ۲۴-۲ مک ۹: ۴-۱۱ همین خصلت را به آنتیوخوس ایفان می‌دهد (دوران سلطنت از سال ۱۷۵ تا ۱۶۳ که شکنجه‌گر یهودیان بود). ر. ک. یهودیه ۹: ۹.
p. تحت اللفظی: بوسیدن کف پا.
q. رفتار نامأنوس مردخای در برخورد با درباریان (ر. ک. ۲: ۳) توسط اولویت داشتن خدا بر بشر هر چقدر هم قدرتمند باشد توجیه شده است. مردخای وابستگی وفادارانه خود را به این شکوه‌اعلی که فرای حد بشری است با شهامت بروز می‌دهد.

و این نه از غرور است.
^۸ و اینک^۱ خداوند خدا، پادشاه، خدای

فریاد می کشیدند زیرا مرگ^۷ را در برابر
 دیدگان خود می دیدند.

ابراهیم،

تث:۹:۲۶ قوم خود را محفوظ دار

زیرا برای نابودی ما بر ما چشم
 دوخته اند،

نیایش استر

^۲ استر ملکه، در چنگال نبردی کشنده
 به خداوند پناه برد. ^{۱۳} پس از کندن

آنان کوشش خود را برای برکندن آنچه
 از ابتدا میراث^۵ توست نهاده اند.

لباس های مجلل^۷ لباس های ماتم و سوگ
 در بر کرد و به جای عطرهای گران بها، بر

^۹ قسمت^۹ خود را که از سرزمین مصر
 بازخریده ای خوار مدار.

سرش خاکستر^۸ و نجاست ریخت، تنش را
 به شدت خوار داشت و آنچه در نظروى

^{۱۰} به نیایش من گوش فرادار.
 به آنچه از صلب^{۱۱} توست التفات نما

نیکو منظر بود با گیسوان ژولیده اش
 پوشاند. ^{۱۴} او با نیایش خدای اسرائیل^{۱۲} چنین

و ماتم ما را تبدیل به شادی کن،
 باشد که زنده، خداوندا سرودهایی به نام

گفت^{۱۵}:

تو بسرائیم،
 و آنانی که با دهانشان تو را می ستایند

«خدای من، پادشاه ما^{۱۶}،
 تو یگانه ای^{۱۷}! به یاری من بشتاب،

و آنانی که با دهانشان تو را می ستایند
 نابود نگردند.»

به من که تنها^{۱۸}م^{۱۹} و کمک دیگری جز تو
 ندارم

^{۱۱} تمامی اسرائیل با همه قدرت خود
^{۱۲} زیرا دارم با خطر^{۱۳} بازی می کنم.

ندارم
^{۱۵} زیرا دارم با خطر^{۱۳} بازی می کنم.

I این اصطلاح که عیناً از زبان عبری تقلید شده یکی از شیوه های بیان تشدید یافته ای است که قبل از وقفه یا درنگی در مطلب می آید و نشانه حدت نیایش و طرح درخواست و مسئلت است. اغلب در نیایش های بزرگ عهد عتیق بدان برخورد می شود. (خروج ۳۲:۳۱-۳۲:۳۲ دان ۹:۱۵-۱۷:۳؛ ۴۱:۳ اعد ۹:۳۲؛ طو ۳:۳، ۵، ۶، ۱۲؛ ۷:۸؛ بار ۱۱:۱۱...).

S این مضمون که در اینجا با تقدیر ربط می یابد (از یک ریشه: ر.ک. ۷:۳) نشانه ارتباط نزدیک و پردوام بین خدا و کسانی است که وی برگزیده و به او تعلق دارند. تنها متن یونانی اشاره به واژه «میراث» دارد. ر.ک. خروج ۹:۳۴؛ تث ۳۲:۹؛ ۱-پاد ۸:۵۱؛ ار ۱۰:۱۶، ۵۱:۱۹؛ یول ۴:۲؛ مز ۲۸:۹؛ ۷۹:۱؛ ۵:۹۴؛ ۵:۱۳؛ ۵:۱۳.

T باز ادامه همان معنا و واژه است که در ۹:۲؛ ۹:۹؛ ۱۹:۹؛ ۲۲:۹ هم آمده است.

U در اینجا هم به مضمون تقدیر برخورد می کنیم (پ: ۸ توضیح). تعلق بنی اسرائیل به خدا به شدت در این نیایش تأکید شده است. خدا خود یک طرف این امر کاملاً بشری است. تقدیر خدا هم به تقدیر قومش مرتبط است.

V تحت اللفظی: مرگشان به چشمشان (بود).

W تحت اللفظی: رخت های جلال خود. شاید بازی لفظی با واژه جلال و مجلل باشد.

X ر.ک. توضیح ۱:۴.

Y یهودیه بنت مراری نیز رفتار مشابهی پیش می گیرد و قبل از عزیمت به نزد هولوفرن به ستایش می ایستد (ر.ک. یهودیه ۹).

Z نیایش استر که طولانی تر از نیایش مردخای است دارای لحنی کمتر خویشتن دارانه می باشد. استر تقدیر خود را وابسته به تقدیر قوم خود می گرداند (با تناوب کاربرد ضمائر اول شخص مفرد: «من» و اول شخص جمع «ما...») و مستقیماً عدالت الهی را طلب می کند. به خاطر مجادله ای که با مشرکان به وقوع پیوست. امانت و قدرت خدا در قلب آدمی و تاریخ مداخله می کند.

a قدرت و سطوت خدا به مراتب بیش از قدرت و سطوت اردشیر پادشاه که استر همسر وی است می باشد.

b تأکید بر یکتاپرستی علیه عبادت خدایان متعدد. (ر.ک. پ: ۱۹-۱۸).

c جناس لفظی: خدا تنها... استر تنها!

d تحت اللفظی: نابودی من به دست های من است. درحالی که خطر نزدیک است، استر زندگی اش را به مخاطره می اندازد. (ر.ک. ۱۱:۴، ۱۴:۴-۱۶) تقدیر قومش نیز در دست های اوست (ر.ک. ۷:۳-۴).

- ۲:۳۳ مز^{۱۶} من از کودکی در قبیله پدرم شنیدم که می‌گفتند
- تث ۴:۳۲؛ تث ۷:۶ تو خداوند یکتا، اسرائیل را از بین تمام اقوام و پدرانمان را از میان همه اجدادشان برگزیدی، تا میراثی دائمی^e گردند، و آنچه را به آنان گفته بودی^f برایشان به انجام رسانیدی.
- طو ۳:۳؛ یار ۱:۱۷؛ تث ۳:۱۲؛ ۲:۳؛ دان ۳:۳۲؛ نج ۹:۲۷
- ۱۷ و اینک^g در برابر تو گناه ورزیده‌ایم و تو ما را به چنگال دشمنان مان واگذارده‌ای
- ۱۸ زیرا خدایان^h آنان را تجلیل کرده‌ایم. خداوند، تو چه عادلⁱ!
- ۱۹ اما اینک، سختی بردگی ما آنان را کفایت نکرده است؛ برعکس آنان با بت‌های خود پیمانی بسته‌اند
- ۲۰ تا آنچه را از دهان تو برآمده است، زایل گردانند و میراث^k تو را به نیستی کشانند و دهان کسانی که تو را می‌ستایند، ج ۱۰ ببندند، شکوه خانه تو و قربانگاه^l تو را خاموش بیهوده ۸:۹ گردانند
- ۲۱ دهان بیگانگان^m را برای ادعاهای تو خالیⁿ بکشایند و پادشاهی^o میرا را جاودانه ستایش کنند.
- ار ۵:۱۱-۱۰؛ اش ۴۱:۲۹؛ لاو ۱۷:۷
- ۲۲ چوگان^p خود را، خداوند! به دست کسانی که وجود ندارند مسپار تا سقوط^q ما را مسخره نمایند بلکه توطئه‌هایشان را به سوی آنان بازگردان.
- یول ۲:۱۷؛ مز ۴۴:۱۴-۱۵
- و آن کس^r که در رأس این توطئه علیه ما جای گرفته است وی را به عقوبتی عبرت‌آموز دچار کن.
- ۲۳ خداوند!، به یاد آور،
- e. ر.ک. پ: ۸ توضیح. تشابه با نیایش مردخای زیاد است.
- f. خدا در عهد خود امین است و به وعده‌های خود پای بند می‌باشد: حتی تهدیدهایش را نیز به اجرا درمی‌آورد (ر.ک. نج ۳۳:۹؛ بار ۲:۷).
- g. همان حکم موصول که در پ: ۸ آمده است (ر.ک. توضیح).
- h. درباره عبادت مشرکان: ۱- مک ۱:۴۱-۵۳؛ بار ۱:۲.
- i. در نیایش، این عبارات متداول است: مز ۵۰:۶؛ ۱۱۹:۱۳۷؛ دان ۳:۲۷-۲۸؛ ۷:۱۴؛ نج ۹:۳۳؛ طو ۳:۲. عدالت خدا در وفاداری ثابت وی به عهد است هر چند قوم او از آن تخطی کرده باشد. همین اندیشه در پایان آیه ۱۶ نیز بیان شده است.
- j. تحت اللفظی: دست‌هایشان را در دست‌های بت‌ها نهادند. به نشان اعتماد، احترام و موافقت.
- k. ر.ک. پ: ۱۶؛ پ: ۸ توضیح.
- l. در زمینه تبعید (ر.ک. الف: ۲ و ۶:۲) این واژه‌ها بیشتر دارای اهمیت نمادین هستند و اشاره آنها به معبد اورشلیم نیست، بلکه به قوم یهود که خود شکوه خدا را می‌سرایند. به هر حال به دان ۱۱:۳۱ (و توضیح) نگاه کنید.
- m. یعنی ملل بت پرست یا مشرک.
- n. مقصود خدایان کاذب است. تحت اللفظی: برای فضیلت‌های باطل.
- o. ر.ک. پ: ۱۴ توضیح.
- p. خدا که چون پادشاه از او یاد شده است (آیه ۱۴) چوگان را چون یکی از علائم سلطنتی به دست دارد که دارای ارزش نمادین می‌باشد (ر.ک. پید ۴۹:۱۰).
- q. مضمون سقوط ر.ک. الف: ۱۰ توضیح.
- r. هامان نام برده نشده است. در مورد یهودیانی هم که در فصل ب آمده همین طور می‌باشد.

- بگذار در لحظات در ماندگی بشناسیم
آنچه مراست، مرا همت عطا فرما
پادشاه خدایان^s و مالک همه اقتدارها
^{۲۴} در برابر شیر^t در زبانم سخنانی خوشنوا
بگذار
یهودیه ۹: ۱۰-۱۳
- و قلب وی را بگردان
تا از آن کس که با ما سر جنگ دارد
نفرت جوید،
و کار وی و همراهاش را به اتمام رساند
^{۲۵} یا دستت ما را از آنان بر کن و برایم
یاری آور،
ج. ۱۴ خداوندا مرا که تنه‌ایم و تنها تو را دارم.
ج. ۵ تو بر همه چیز آگاه هستی:
^{۲۶} تو می‌دانی که من فخر و مباهات
قانون ستیزان^u را منفور می‌دارم
و بستر بیگانگان^v و همه مشرکان مایه
نفرت من است.
مک ۹: ۲۳، ۵۸
روم ۲: ۱۲-۱۴
طو ۳: ۱۴
- دست ماند کهنه حیض^x از آن نفرت دارم
و روزهایی که در استراحت هستم آن را بر
سر نمی‌گذارم
^{۲۸} کنیز تو بر سر خون هامان طعام
نچشیده است
دان ۱: ۸
یهودیه ۱۲: ۱-۲
طو ۱: ۱۱
مک ۶: ۸
- و ضیافت شاهانه^y را رونق نبخشیده‌ام
و نه شراب نذر نوشیده‌ام.
^{۲۹} کنیز تو از زمانی که شرایط عوض
شده^z تا به امروز
خوشبختی را ندیده‌است
مگر در بارگاه تو خداوندا، خدای ج. ۸
ابراهیم.
ج. ۱۴ خدائی که بر همه قادر است
صدای نامیدان را بشنو
ما را از دست تبهکاران برهان
و مرا از ترسم خلاص کن».
یهودیه ۹: ۱۴
یهودیه ۹: ۱۱
۴: ۸
۲ یاد ۱۹: ۱۹
یهودیه ۱۶: ۲
- د استر در نزد پادشاه^a**
^۱ سه روز بعد از آنچه روی داد مک ۱۳: ۱۲
چنین است:
وقتی ملکه از نیایش بازاریستاد لباس‌های
توبه را از تن درآورد تا در شکوه^b خویش
یهودیه ۱۰: ۱-۴
۱۵: ۱۲
۹-۷: ۱۶
- که در روزهای شرفیابی بر سر دارم نفرت
دارم،
تث ۷: ۳
عز ۹: ۱۲
نج ۱۳: ۲۵
از نشان افتخار فاخری^w
که در روزهای شرفیابی بر سر دارم نفرت
دارم،
س. نه تنها خدا برتر از سلطنت بشر است (آیات ۱۴ و ۲۱) بلکه برتر از خدایان (پوچ) نیز هست. ر. ک. تث ۱۰: ۱۷؛ مز ۵۰: ۱؛
۳: ۹۵؛ دان ۲: ۴۷؛ ۳: ۹۰. این عنوان الهی منحصر به آیین یهودیت نیست.
f. اشاره نمادین به اردشیر. در مورد این نماد قدرت: حزق ۳۲: ۲؛ یول ۱: ۶؛ ۱۷: ۱۲؛ امث ۱۹: ۱۲؛ ۱-مک ۳: ۴.
u. مشرکان، تورات موسی را رعایت نمی‌کنند. استر بدین ترتیب استدلال هامان را علیه یهودیان برمی‌گرداند.
(ر. ک. ۳: ۸؛ ب: ۴-۵).
v. تحت اللفظی: نامختون.
w. منظور دیهیمی است که از نوار پارچه‌ای پیچیده شده‌ای درست شده باشد. (ر. ک. ۱: ۱۱؛ ۲: ۱۷).
x. تشابهات: اش ۶۴: ۵ (ر. ک. لاو ۱۵: ۱۹؛ مرا ۱: ۱۷).
y. اشاره به اعمال مندرج در ۱۱: ۱.
z. ر. ک. ۴: ۸.
- a. قطعه‌ای که در متن یونانی در ادامه می‌آید مفصل‌تر از قطعه‌ای است که در متن عبری آمده. (ر. ک. ۱: ۶ توضیح). وصف
طبیعی و درون‌شناختی آن دارای ظرافت قابل توجهی است. سبک و واژه‌های این فصل یادآور ظهور و آشکار شدن خدا یا
فرشتگان است (ر. ک. آیه ۱۳).
b. ر. ک. پ. ۱۳ و توضیح.

۷.د می زد از ضعف غش کرد. ^{۱۶} پادشاه پریشان^{۱۵} شد و همه ملازمان، ملکه را دلداری می دادند.

^۹ هامان سراپا شاد و راضی از نزد پادشاه خارج شد. اما همین که مردخای^{۱۲} یهودی را در حیاط دید سراپا در خشمی بزرگ فرو رفت. ^{۱۰} همین که به خانه^۸ خود وارد شد دوستانش و «زوسارا» همسرش را فراخواند؛ ^{۱۱} ثروتش^{۱۱} را به آنان نشان داد و افتخاری که پادشاه نصیب وی گردانده بود و این که چگونه وی را صدراعظم گردانده و چگونه اداره قلمروش را به وی سپرده بود به آنان بنمود. ^{۱۲} سپس هامان افزود: «در ضیافت، تنها ملکه از من و پادشاه دعوت کرده بود، برای فردا هم دعوت شده ام. ^{۱۳} اما این مرا خوشایند نیست، مادامی که مردخای یهودی را در حیاط می بینم». ^{۱۴} آنگاه زوسارا همسرش و دوستانش به وی گفتند: «برایت تنه (درختی) به بلندای بیست و پنج متر^{۱۱} بیافکنند و فردا صبح به پادشاه بگو تا مردخای را به این چوبه دار بیاویزند^{۱۷}. اما آنچه تراست با پادشاه به ضیافت برو و ^{۱۸} خوب تفریح کن!» هامان را از موضوع خوش آمد و چوبه دار آماده شد.

۵ ^{۱۳} آنگاه پادشاه به وی گفت: «استر چه می خواهی؟ درخواست تو چیست؟ اگر نصف مملکت را هم بخواهی آن را به تو خواهم داد». ^{۱۴} اما استر پاسخ داد: «امروز برایم روز بزرگی است. اگر پادشاه را خوش آید با هامان به ضیافتی که امروز^{۱۵} ترتیب خواهم داد بیایند». ^{۱۵} آنگاه پادشاه گفت: «زود هامان را احضار کنید تا دعوت استر را اطاعت کنیم!» هر دو در ضیافتی که استر آنها را به آن دعوت کرده بود حضور یافتند. ^{۱۶} آنگاه در پایان ضیافت، پادشاه رو به استر کرد: «ملکه استر، چه شده است؟ هرچه بخواهی همان را خواهی داشت». ^{۱۷} استر پاسخ داد: «تقاضای من...؟ درخواست من؟ ^{۱۸} اگر پادشاه^{۱۹} را به دست آورده باشم، به ضیافتی که فردا خواهم آراست با هامان باز بیایند و فردا نیز به همچنین رفتار خواهم کرد».

o- رفتاری برعکس ۱۵:۳. وضع از این به بعد دگرگون می شود (ر.ک. الف:۴ و الف:۷). پادشاه خود را حساس تر نشان می دهد، خود وی نیز برآشفته است. تغییری که به دنبال می آید بر اثر نیایش مردخای و استر به وقوع پیوسته که نقش میانجی را ایفا کرده اند.

p- استر عکس موضع گیری خود را که در پ:۲۸ بیان شده ابراز می کند. رویدادهای این داستان همان طور که دیده می شود از بزمی به بزم دیگر جریان می یابد. با وجود این، متن به سختی با اضافات یونانی (ت) به صورت زنجیره ای درمی آید.

q- ر.ک. ۱۷:۲. استر عبری می افزاید: و اگر پادشاه را خوش آید با درخواست من موافقت فرمایند و تقاضای مرا اجابت کنند (ر.ک. آیه ۷).

r- استر عبری می افزاید: که در برابر وی برنمی خاست و نمی لرزید. برعکس، استر عبری از یهودی نام نمی برد (ر.ک. ۵:۲ توضیح).

s- در آغاز استر عبری می افزاید: با وجود این هامان بر خود مسلط گردید.

t- استر عبری می افزاید: شمار بسیار پسرانش.

u- اغراق گویی برای نشان دادن گزافه بیش از حد هامان آن هم پس از آنکه پوچی خود را مشخص نمود (ر.ک. ۹:۳ توضیح).

v- مجازات پیش بینی شده در مورد خائنان و توطئه گران (ر.ک. ۲۳:۲ توضیح).

افتخار مردخای

«کسی را که می‌خواهم مفتخر گردانم چه باید بکنم؟» آنگاه هامان به خود گفت: «پادشاه چه کسی جز مرا می‌خواهد مفتخر گرداند؟»^۷ پس به پادشاه پاسخ داد: «آن کسی را که پادشاه می‌خواهد مفتخر کند؟»^۸ بر سربازان پادشاه است که لباسی از کتان را که پادشاه در بر می‌کند و اسبی^b که پادشاه^c بر آن می‌نشیند آورده،^۹ آنها را در اختیار یکی از دوستان پادشاه که از نجیب^d است قرار دهد و او مردی را که پادشاه ارج نهاده، بیوشاند و وی را بر اسب نشانند، در سراسر خیابان بزرگ شهر گردانده ندا سردهد: برای همه کسانی که پادشاه آنها را مفتخر^e گرداند، نیز این چنین خواهد بود!»

^{۱۰} پس پادشاه به هامان گفت: «نیک گفتی. برای مردخای، یهودی که در دربار^f خدمت می‌کند، این چنین کن. از آنچه گفتی هیچ چیز به غفلت سپرده نشود!»^{۱۱} هامان لباس و اسب را گرفته، مردخای را پوشاند و وی را سوار بر اسب کرد. سپس در سراسر خیابان بزرگ شهر^g

۱ آن شب، خداوند خواب^w را از پادشاه دور کرد، آنگاه وی به مربی خود گفت تا کتاب «خاطرات روزانه^x» را برای قرائت بیاورد. ^۲متنی که دربارهٔ مردخای نوشته شده بیافت: چگونه مردخای دربارهٔ دو خواجه سرای شاهی^y که هنگام خدمت نگاهبانیشان در صدد دراز^z به اردشیر افتاده بودند افشاء کرده بود. پادشاه گفت: «چه افتخار یا مرحمتی دربارهٔ مردخای مقرر داشتیم؟» مقاماتی که در خدمتش بودند پاسخ دادند: «درباره وی هیچ چیزی مقرر^a نداشته‌ای». ^۴درحالی که پادشاه از خدمات ارزندهٔ مردخای مطلع می‌گردید، هامان در حیاط بود. پس پادشاه گفت: «در حیات کیست؟» هامان آمده بود تا به پادشاه بگوید که مردخای را به داری که تهیه کرده بود بیاویزند. ^۵مقامات در خدمت پادشاه گفتند: «هامان است که در حیاط می‌باشد». پادشاه اعلام کرد: «وی را صدا کنید!» آنگاه پادشاه به هامان گفت:

۸:د
۱:۲:۲
عز:۱

الف. ۱۲-۱۶:
۲:۲۱-۲۳

w. به جای این طرز نگارش که مداخلهٔ خداوند را مطرح می‌کند (ر.ک. الف: ۹ توضیح)، استر عبری می‌نویسد: خواب از پادشاه گریخت.

x. استر عبری: کتاب خاطرات [تذکره تاریخ ایام] «سخنان روزها» که مفهوم آن سالنامه است. واژهٔ سخنان در متن یونانی وجود ندارد و اصطلاح آن به طور خلاصه آمده است.

y. استر عبری نام آن‌ها را می‌افزاید. مانند ۲:۲۱.

z. در ارتباط با همان فعل است که در الف: ۱۳ (ر.ک. ۲:۲۱ توضیح) آمده است.

a. این پاسخ برخلاف الف: ۱۶ است اما با ۲:۲۳ برابر است. با وجود این قرابت آن با ۲:۲۳ دشوار است، از آن جهت که استر در اینجا میانجی نامیده نشده است. این فصل بخصوص ارزش مردخای را بالا می‌برد (۲:۶ توضیح).

b. رسم در مورد مفتخر کردن کسی. ۱-پاد ۱:۳۳ توضیح.

c. استر عبری می‌افزاید: و بر سرش دیهیم پادشاهی نهاده شد.

d. دوستان: ر.ک. ۱:۱۳ توضیح. نجیب، ر.ک. الف: ۱۰ و الف: ۱۷. دقت کلمات به کار رفته برای ترکیب روایت غریب نیست.

e. ر.ک. هرودوت (Hérodote III,84; VII,37. 116; VIII,118).

f. عین همین مطلب در الف: ۲.

g. همان حرکتی که مردخای با سر و صدا و فریاد کرده بود (ر.ک. ۴:۱).

سقوط هامان



پادشاه و هامان آمدند تا با ملکهⁿ به جشن بپردازند.^۲ در دومین روز، در پایان ضیافت، پادشاه به استر گفت: «ای ملکه استر چه شده است؟ تقاضای^o تو چیست؟ درخواست تو چیست؟ نصف مملکت^p از آن تو باشد.»^۳ ملکه در پاسخ اعلام کرد: «اگر در نظر پادشاه التفات یافته باشم زندگانی ام به من اعطاء گردد تقاضای من - و قوم^q من - این است، درخواست من این است.^۴ در واقع، ما به فروش^r رفته بودیم، من و قوم من برای نابودی، غارت^s، بردگی، ما و فرزندانمان، برای آن که فرمانبر و کنیز گردیم، اما من گوش هایم^t را بستم زیرا چنین افتراضی^u در شأن دربار سلطنتی^v نیست.»^۵ سرانجام پادشاه گفت: «چه کسی^w جرأت کرده است چنین کاری بکند»؟

گردانده چنین نداداد: «هر کس را که پادشاه بخواهد مفتخر^h گرداند نیز این چنین خواهد بود!»^{۱۲} مردخای به دربار بازگشت، در حالی که هامان خسته و کوفتهⁱ و سرافکننده به خانه خود شد.^{۱۳} هامان به زوسارا همسرش و به دوستانش آنچه بر سرش آمده بود بازگو کرد. دوستان و همسرش به وی گفتند: «اگر مردخای از نژاد یهود است، این آغاز پست شدن^k تو در برابر وی می باشد، مسلماً تنزل^l تو ادامه خواهد یافت. مطلقاً نخواهی توانست مانع آن گردی، زیرا خدائی حی به همراه وی^m است.»^{۱۴} هنوز داشتند حرف می زدند که خواجه سراها سر رسیدند تا هامان را برای ضیافتی که استر آراسته بود ببرند.

دان ۶:۲۱؛
۱۴:۶؛
مک ۳۵-۳۶

h. یوسف و دانیال نیز به افتخاری مشابه دست یافته بودند (ر.ک. مراجع حواشی).

i. همین واژه در ۱:۱۲ آمده است.

j. به جای دوستانش (ر.ک. ۱:۱۳ توضیح) در استر عبری آمده است: خردمندانش.

k. همان ریشه در الف: ۱۰. خواب تعبیر می شود!

l. تحت اللفظی: در حال افتادن، تو خواهی افتاد. سبک عبری که زبان یونانی از آن نمونه برداری کرده است. ر.ک. الف: ۱۰ توضیح.

m. در عهد باستان تغییر ناگهانی یک وضع یا مداخله الهی بارها دیده می شود.

n. به مانند یهودیه بنت مراری ۱۲:۱۵ ادامه و دانیال ۵، وضع به هنگام ضیافت و بزم تعبیر می کند.

o. همان واژه مذکور در ۷:۵.

p. در مر ۶:۲۱-۲۹ این جمله باز در طی ضیافتی بر زبان آمده است.

q. ر.ک. ب: ۴ توضیح. در اینجا نیز متن یونانی از متن عبری پیروی می کند. مانند فصل ب (همچنین ر.ک. ۳:۸ توضیح) از یهودیان نامی برده نشده است.

r. استرا از مبلغ پیشنهادی هامان ناآگاه نیست (۳:۹). یوسف نیز فروخته شد (پید ۳۷؛ حک ۱۰:۱۳).

s. یادآوری از ۳:۱۳.

t. ر.ک. ۴:۱۴.

u. این واژه نمایانگر ابلیس به صورت شخص است. در ترجمه هفتادتنان به شیطان ترجمه شده است. (ر.ک. مز ۱۰۸:۶؛ ایوب ۱:۶-۱؛ توا ۲۱:۱؛ حک ۲:۲۴).

v. در این آیه متن یونانی تقریباً تمام کلمات استر عبری را دوباره به کار می برد بدون آن که ساختار آن را درست دریافته باشد.

w. استر عبری می افزاید: و کجاست ...

برای مُردخای^e تهیه کرده بود آویخته شد. ۱۴:۵
 آن وقت بود که خشم پادشاه آرام گرفت^f.
 همان روز، اردشیر پادشاه همه
 دارائی های هامان مفتی^g را به
 استر هدیه کرد. علاوه بر آن، مُردخای
 به وسیله پادشاه احضار گردید زیرا استر
 فاش کرده بود که با وی دارای رابطه
 خویشاوندی^h است. ^۲ با بدست گرفتن
 انگشتری که از هامانⁱ پس گرفته بود
 پادشاه آن را به مُردخای داد. و استر
 مُردخای را بر تمام دارائی هامان بگماشت.

پید ۴۱:۴۲:
 دان ۴۸:۲

لغو اقدامات ضد یهودیان

^۳ دوباره استر با پادشاه صحبت کرد و
 به پاهایش^k افتاد و از وی درخواست کرد
 تا مصیبتی را که هامان^l خواسته و آنچه را
 علیه یهودیان کرده بود دور کند. ^۴ پادشاه
 چوگان زرین^m را به سوی استر گرداند و
 استر برخاسته نزد پادشاه ایستاد و گفت:

^۶ استر پاسخ داد: «یک دشمن^x! هامان این
 مرد فاسد^y! هامان در برابر پادشاه و ملکه
 برآشفته گردید.

^۷ پادشاه^z ضیافت را برای رفتن به باغ
 ترک کرد. هامان شروع به تضرع از ملکه
 کرد زیرا خود را در وضع بدی می دید.

^۸ وقتی پادشاه از باغ بازگشت، هامان
 بر نیمکت^b افتاده^a و در حال التماس به
 ملکه بود. پادشاه ناگهان گفت: «علاوه بر
 این می خواهی در خانه من به زنم هم تجاوز
 کنی!» هامان متوجه شد و چون گیج شده
 بود سرش را سوی دیگر کرد. ^۹ آنگاه، بغتان
 یکی از خواجه سرایان به پادشاه گفت:

«به درستی چوبه داری که هامان برای
 مُردخای، کسی که در آنچه مربوط به
 پادشاه^c بود سخن گفته بود حاضر است،
 این چوبه دار بیست و پنج متر است که در
 خانه هامان برپاست!» پادشاه گفت: «به
 آن مصلوب شود!»^d ^{۱۰} و هامان به داری که

x. استر عبری می افزاید: آزار دهنده و ...

y. این واژه به معنای مکار هم هست، یعنی شیطان (آیه ۴ توضیح). ر.ک. مت ۳:۶:۱۳:۱۹.
 z. استر عبری می افزاید: سرپا خشمگین.

a. تحت اللفظی: «ولو شده بود» ر.ک. ۱۳:۶ و الف: ۱۰ توضیح. این رفتار با رفتار استر قابل مقایسه است (د: ۷ و د: ۱۵).
 b. استر عبری می افزاید: در جایی که استر بود.

c. اشاره به افشاگری مردخای: ر.ک. الف: ۱۲ و ۲۱:۲-۲۳. به نظر می رسد متن در اینجا بیشتر اشاره به روایت دوم دارد زیرا
 مردخای مستقیماً به پادشاه رجوع نکرده است (ر.ک. ۳:۶ توضیح).

d. در جای دیگر متن یونانی فعل دار زدن را به کار می برد (ر.ک. ۱۴:۵ توضیح).

e. موضوع حکمت آموز بخت برگشتگی در ادبیات کتاب مقدس به وفور به کار رفته است. پید ۳۷-۵۰: ۱۵: ۱۶: ۷: ۱۶: ۹:
 ۱۶: ۹: ۳۵: ۷-۸: امت ۱۱: ۸: ۲۶، ۲۷. جا ۸: ۱۰: ۸: دان ۱۷: ۶: ۱۴: ۴۲: ۱-۱ مک ۲: ۶۲-۶۳: بنسی ۲۷-۲۶: ۲۷.

f. عین همین اصلاح در ۲: ۱ پس از مغضوب شدن آستن.

g. ر.ک. ۷: ۴ توضیح.

h. ممانعت های مذکور در (۷: ۲ و ۱۰: ۲) اکنون فاش می گردد.

i. ر.ک. ۱۰: ۳ توضیح.

j. حتی در روم بسیاری از یهودیان به مراکز قدرت سیاسی نفوذ کرده بودند.

k. استر عبری می افزاید: به گریه افتاد.

l. استر عبری می افزاید: اجاجی (ر.ک. الف: ۱۷ توضیح)

m. ر.ک. ۱۱: ۴ و د: ۱۲: حالت و وضعیت سلام کردن.

شدند. فرمان‌هایی که به مباحثان و به فرمانداران کل، از هند تا حبشه^۴، به صد و بیست و هفت منطقه و به هر استان برابر زبانش داده شده بود برای یهودیان نوشتند^۵.^۶ به نام پادشاه نوشته^۷ و با انگشتری^۸ وی مهر شد، سپس نامه‌ها با قاصدان^۹ تیزپا ارسال گردیدند: ^{۱۱} به یهودیان دستور داده شده بود که در هر شهر از قوانین خاص خود پیروی کنند چه در مورد یاری به یکدیگر و چه در مورد رفتار با مخالفان و دشمنان خود، به میل^{۱۰} خود رفتار کنند، ^{۱۲} تنها در یک روز در سراسر قلمرو اردشیر، روز سیزدهم^{۱۱} از ماه دوازدهم یعنی ماه آدار.

نامه اعاده وضع یهودیان و محکومیت هامان^{۱۲}

هـ ^۱ متن زیر رونوشتی از آن نامه است:
«از پادشاه بزرگ اردشیر به وزیران

^۵ «اگر تو را خوش آید و اگر من نظر مساعد تو را بدست آورده‌ام، فرستاده نامه‌هایی را که هامان^{۱۱} ارسال داشته، آن نامه‌هایی که در آنها نابودی یهودیان در مملکت تو نوشته شده است، باطل نمایند. ^۶ چگونه می‌توانم منظره بدبختی قوم خود را تحمل کنم؟ چگونه می‌توانم خود را نجات یافته بدانم، وقتی خویشان من نابود می‌شوند؟» ^۷ پادشاه به استر^{۱۰} پاسخ داد: «اگر تمام اموال هامان را به تو داده‌ام، اگر کوشیده‌ام که رضایت تو باشد و اگر او را به دار آویخته‌ام زیرا به یهودیان دست درازی کرده بود، باز چه می‌خواهی؟» ^۸ به نوبه خودتان به نام من بنویسید، هرگونه دلتان می‌خواهد و توسط انگشتری مهر بنزید، زیرا آنچه را بنا به فرمان پادشاه نوشته شده و با انگشتری من مهر شده باشد اعتراض^۹ به آن محال است.»
^۹ پس دبیران^{۱۱} در بیست و سوم ماه نخست یعنی نیشان^{۱۲} - همان سال - احضار

۱۱- استر عبری می‌افزاید: پسر همدانای اجاجی (ر.ک. ۱۰:۳ توضیح).

۱۰- استر عبری می‌افزاید: ملکه و مردخای یهودی. متن یونانی فقط به تجلیل استر می‌پردازد و مردخای را کنار گذاشته است.

۹- ر.ک. استر عبری: ۱۹:۱ توضیح: ۸:۸ توضیح و دانیال ۶:۹.

۸- استر عبری می‌افزاید: در همان لحظه

۷- استر عبری: سیوان (ماه مه و ژوئن). درباره ماه نیشان: ر.ک. الف: ۱ توضیح.

۶- به مانند آیه ۷، از مردخای نام برده نمی‌شود. آغاز آیه شبیه ۱۲:۳ است مگر تاریخ آن. اما متن یونانی در اینجا فعل را به صورت سوم شخص مجهول به کار می‌برد: «نوشته شد» (همچنین در آیه ۱۰) این تغییر دستوری زبان می‌تواند به معنای مداخله خدا در رهایی قومش هم تلقی گردد.

۵- استر عبری می‌افزاید: به هر استان برابر خطش. به هر قوم برابر زبانش و به یهودیان برابر خط و زبانشان. ر.ک. ۲۲:۱ توضیح، ۱۲:۳ توضیح.

۴- در ۱۲:۳ (توضیح) استر عبری نوشته شده که در متن یونانی حذف شده است (ر.ک. ۹:۸ توضیح).

۳- متن یونانی نیز این تفصیل را حذف کرده است (در ۱۲:۳ توضیح) در مورد انگشتری ر.ک. ۱۰:۳ توضیح.

۲- استر عبری می‌افزاید: با سوار کردن اسباب‌های دولتی بر اسبانی که از مادیان‌های برگزیده بودند.

۱- استر عبری می‌افزاید: و غارت اموالشان. ر.ک. ۱۰:۹ (یونانی).

۱۲- یعنی برابر متن یونانی، یک روز قبل از آن که هامان برای نابودی یهودیان قرعه افکند (ر.ک. ۷:۳؛ ۱۳:۳؛ ۶).

۱۱- آغاز این نامه به اندازه ۲ سنگین و پرطمطراق نیست. سلطنت و سطوت خدا (آیه ۱۸) از این به بعد مورد اعتراف و اقرار اردشیر پادشاه است. مانند فصل ب جمله بندی پیچیده تر و رساتر از فصول دیگر این کتاب می‌باشد، با وجود این، علی‌رغم سبک متفاوت آن برخی نشانه‌های عبری دیده می‌شود. تأیید اصالت چنین سندی مورد تردید است.

دوستان با تزاویر دروغین خبیث تمامی دان ۲۱:۱۱
درستکاری پادشاهان را تباه کرده بودند.

^۷ بنابراین بدون آنکه به روایات گذشته که نقل کرده ایم رجوع کنم، قابل ملاحظه است که با به تجربه نهادن آنچه از برابر دیدگان شما می گذرد، همه بی حرمتی های ارتكابی از سوی افراد شید که با بی لیاقتی قدرت خود را اعمال می کنند، صورت می پذیرد.

^۸ در آینده ^d سعی خواهیم کرد کشور را با آرامش و به سود همگان به صلح رهنمون شویم، ^۹ و این را با ایجاد تغییرات و با منصفانه برخورد کردن با اموری که به دآوری ما سپرده می شود انجام خواهیم داد.

^{۱۰} در واقع این چنین بوده است که هامان پسر هامادتوس، یک مقدونی ^e و بیگانه از خون پارسی، کاملاً نا آشنا با سخاوتمندی ما، از میهمان نوازی ما بهره مند شد، ^{۱۱} او با محبتی که نسبت به همه ملل داریم روبه رو شد، تا جایی که

«پدر» ^f ما خوانده شد و دومین شخصیت تخت سلطنتی گردید که در برابرش همه سر ^{۱۲} اما جلوی تعظیم فرود می آوردند.

استان های صد و بیست و هفت منطقه از هند گرفته تاحبشه و به همه طرفداران ما، سلام! بسیاری از اشخاص که اغلب توسط سخاوت بی حد خیرخواهان ^a خود تجلیل می شوند بیش از حد دچار جاه طلبی می گردند. ^۳ آنها نه تنها به دنبال ایجاد مزاحمت برای ^b رعایای ما می گردند بلکه عاجز از تحمل آنچه باید راضی می گردشان بی لیاقتی نشان می دهند و دست به توطئه علیه نیکوکاران خود می زنند. ^۴ نه تنها حق شناسی را بین افراد از بین می برند، بلکه علاوه بر آن، به ترغیب لاف زنی های کسانی که هیچ تجربه ای از خوبی ندارند، چنین تجسم می کنند که از عدالتی که دشمن بدی است یعنی عدالت خدا که دائماً همه چیز را تشخیص می دهد می توانند بگریزند.

ج. ۵:
ت. ۲:
جا ۱۲: ۱۴:
مک ۷: ۳۵:

^۵ در موارد بسیاری نیز، تعدادی از افرادی که بر سر قدرت مستقرند، تحت فشار دوستی ^c که برای به دست گرفتن امور به وی اعتماد کرده اند، شریک خون بی گناه گردیده و به فجایعی لاعلاج کشیده می شوند: ^۶ قضیه به این قرار است که این

a. ر.ک. لو ۲۲: ۲۵ توضیح. بطلمیوس سوم (۲۴۷-۲۲۱) ملقب به نیکوکار (Evergète). پارسیان دارای طبقه خاص اجتماعی بودند که افرادشان نیکوکاران پادشاه نامیده می شدند (ر.ک. آیه ۱۳: ۲۵, ۲۵: ۲۵).
b. همین فعل در الف: ۱۷ در باره عمل هامان.
c. ر.ک. ۱۳: ۱ توضیح.

d. ضمیر اول شخص جمع در اینجا به جای اردشیر آمده. در فصل ب ضمیر اول شخص مفرد (آیه ۲) و همچنین اول شخص جمع (آیه ۶) به کار رفته است.

e. چنین اشاره ای در باره اصل و نسب هامان در هیچ جای کتاب استر عبری دیده نمی شود. با وجود این در هر دو متن یونانی مورد تأیید قرار گرفته است (در آثار اورینج و لوسین). ممکن است به نشانه مقاومت یهود در برابر یونانی گرایان مشرک بوده باشد زیرا آنتیوخوس اپیفان یکی از وارثان امپراتوری منقسم شده پس از مرگ اسکندر مقدونی (رابطه بین ۱-مک ۱ و استر را دقت نمایید) بود. از سوی دیگر در زمان اردشیر سوم (۳۳۸-۳۵۹) در شاهنشاهی هخامنشی شورش هائی به وقوع پیوست که از سوی مقدونیان پشتیبانی می شد. (ر.ک. الف: ۱۷ توضیح، در باره لقب دیگر هامان: بوغایوس).

f. ر.ک. ب: ۶ توضیح.

دان ۲۰:۵ غرورش را نگرفت و خواست ما را از قدرت و زندگانی^g محروم دارد؛^{۱۳} و با ۶. بافته ای از دروغ های تقلب آمیز برای نابودی نجات دهنده و نیکوکار^h دائمی ما، مردخای و استر، شریک بی عیب قلمرو ما و همچنین سراسر ملت آنان اقدام کرد.^{۱۴} در واقع با وسایلی که داشت چنین در خیال تدبیر کرده بود، با برکنار داشتن ما، امپراتوری پارسⁱ را بر مقدونیان بسپارد.^{۱۵} ولی ما دانستیم که یهودیان که توسط این هرزه هزرگان^j به نابودی سپرده شده بودند ب. بدکار نیستند، برعکس، با قوانین بسیار صحیح اداره می گردند؛^{۱۶} افزوده بر این، آنان پسران خدای^k حی، حضرت اعلی^۱ و عظیم^m هستند که در کشور با صداقت برای ما، همان گونه که برای اجداد ما، در

بهترین شرایط، حکومت کرده اند.
 ۱^v پس بهتر آن خواهد بود که نامه هائی مک ۱:۱۲، ۱۸:۲۲؛
 ۲ مک ۱:۱۱، ۲۶:۲۲
 است به مورد اجرا نگذارید،^{۱۸} نظر به این که نویسنده آن، دم دروازه شوش با تمام خانواده اش^p مصلوب گردیده است.^o خدا مالک هستی بی درنگ حکمی را که سزایش بود درباره اش جاری کرد.
 ۱^۹ پس از انتشار رونوشت این نامه در همه جا، یهودیان را آزاد^q بگذارید تا رسوم خود را پیروی کنند؛^{۲۰} به آنان مساعدت دهید تا کسانی را که در لحظه ای از پریشانی^r به ایشان حمله ور می شوند در روز سیزدهم ماه دوازدهم (آدار)، در همان روز^t دفع کنند^s.^{۲۱} زیرا خدا که قدرت خود را بر سراسر^u گیتی اعمال می کند این روز

g دومین اشاره به توطئه (ر.ک. آیه ۳)، الف: ۱۲-۱۷؛ ۲: ۲۱-۲۳.

h. ر.ک. ۲: c توضیح.

i - تهدیدتیزی یافتن شهری مقدونی در زمان سلطنت اردشیر سوم [آخس] بروز نمود (۳۳۸-۳۵۹). این تهدید بعداً توسط اسکندر مقدونی به وقوع پیوست (۳۵۶-۳۲۳). اما همچنین ممکن است موضوع مربوط به ترویج یونانی گرایی باشد که وارثان امپراتوری اسکندر انجام می دادند. (ر.ک. ت: ۱۰ توضیح).

j - همین اصطلاح در ۲- مک ۸: ۳۴ و ۳: ۱۵ درباره نیکانور هم آمده است. (ر.ک. ۲- مک ۱۵: ۳۶).

k. ر.ک. ۱۳: ۶. ر.ک. ار ۱۰: ۱۰؛ هو ۱: ۲؛ ۲- مک ۱۵: ۴؛ حک ۱۳: ۱۸.

l. ر.ک. دان ۳: ۳؛ طو ۱: ۱۳؛ ۲- مک ۳: ۳۱؛ ۴: ۱۱؛ حک ۵: ۱۵؛ ۶: ۳؛ بنسی ۹: ۱۵ و ادامه.

m. ر.ک. ۲- مک ۳: ۳۶.

n - تخطی از اصل قانون گذاری اعلام شده در ۸: ۸ (ر.ک. استر ۱: ۱۹ توضیح). در واقع همان مهر لمطنتی را به زیر این نامه ها زده بود و لذا فرمان او غیر قابل تعویض بود.

o. همین فعل در ۷: ۹ (ر.ک. به توضیح).

p - ر.ک. دان ۶: ۲۵ توضیح. در اینجا تقدیمی بر مطالب ۶: ۹-۱۴ وجود دارد که خود نشانه مراحل مختلفی است که کتاب استر به زبان یونانی نوشته شده.

q. همین فعل در ۳: ۸.

r. ر.ک. الف: ۷ (توضیح).

s در اینجا منظور فقط دفاع مشروع است و نه انتقام. در ۸: ۱۱-۱۲ تشریح مهمتر و مفصل تر است.

t - ر.ک. ۸: ۱۲؛ تنها در یک روز.

u - این دیگر قدرت پادشاه نیست که جهانگیر می باشد (ر.ک. ب: ۲) بلکه قدرت خدا است، همان طور که مردخای در نیایش خود آن را موردلناقیار داده است. (پ: ۲). تغییر موقعیت پادشاه و اعتراف او مایه تعجب نیست. به هر حال صحت رویدادها کمتر اهمیت دارد تا هنای آنها. چنین سیاسی از سوی مشرکان نسبت به خدا (ر.ک. ۶: ۱۳؛ ب: ۱۶) خصلت جهان شمولی بیشتری به کتاب استر می بخشد البته فقط در متن یونانی. (ر.ک. عزرا ۱: ۲؛ ۲: ۲۳؛ ۲: ۴۷؛ ۴: ۳۱-۳۴؛ ۶: ۲۷-۲۸؛ ۱۴-۴۱.

پیروزی مردخای و یهودیان^z
 ۱۵ نگاه^e مردخای با خلعت سلطنتی
 بیرون آمد، در حالی که تاجی از زر و
 دیهیمی از کتان ارغوانی بر سر داشت.
 وقتی ساکنان شوش او را دیدند به وجد
 آمدند. ۱۶ این برای یهودیان هلهله^b و نور
 بود. ۱۷ در هر شهر و هر استانی، هر جا
 فرمان توشیح گردیده بود و در آنجا فرمان
 الصاق گردیده بود، سرپا جشن و شادی
 یهودیان و سرمستی^c و هلهله بود. بسیاری
 از مشرکان^d رو به ختنه آوردند و از ترس
 یهودیان^e، یهودی^f شدند.

اش ۶۱:۲-۳
 دان ۵:۲۹
 مک ۱:۱۵-۶
 ۱۰:۲۰
 امث ۴:۹
 حک ۵:۱۶

امت ۲۹:۲
 مز ۹۷:۱۱

مک ۱:۴-۵
 ۵:۵۴
 مک ۲:۳۰-۳

ار ۹:۹
 ۵۱:۶۲
 دان ۳:۵
 ۳:۹۶ (۲۹)
 عز ۶:۱۱
 ۳:۱۴
 مک ۲:۱۳-۱۲

اعدام دشمنان

۹ در واقع^g ماه دوازدهم یعنی آدار،
 سیزدهمین روز از ماه^h نامه هائی
 که توسط پادشاه نوشته شده بود به مقصد
 رسیدند. ۲ همان روز دشمنان^a یهودیان
 نابود گشتند. کسی را یارای آنان نبود: از
 آنان می ترسیدند. ۳ فرماندار کل،

هد ۲۰:
 مک ۱:۷-۴۸
 ۲۹:
 مک ۲:۱۵-۳۶

را برای آنان به جای روز نابودی ایشان تبدیل
 به روز هلهله و شادی گردانده است. ۲۲ پس
 شما نیز در بین جشن های یادبودتان، این
 روز^v بزرگ را با انواع شادی ها برپا
 دارید، ۲۳ تا امروز و در آینده مایه نجات ما
 و طرفداران پارسی ها باشد و برای کسانی
 که علیه ما^w توطئه می کنند یادبودی از
 نابودی باشد. ۲۴ هر شهر یا استان
 به طور کلی، که برابر این حکم رفتار نکند،
 به شدت به نیزه و آتش ویران و منهدم
 خواهد شد و نه تنها برای مردمان مکروه بلکه
 تا ابد برای حیوانات وحشی و پرندگان
 نجس خواهد بود.

۸ ۱۳ نسخه ها کاملاً در معرض دید
 در سراسر قلمرو الصاق گردد تا به
 روز بازگو شده همه یهودیان آماده^x باشند
 با دشمنان خود جنگ لا کنند».

۱۴ سواران به شتاب بر جاده ها تاخت
 برآوردند تا فرمان پادشاه را اجرا نمایند و
 فرمان حتی در شوش نیز توشیح گردید. ۱۵:۳

- v- همین اصطلاح در ۵:۴.
 w- این اشاره در مورد هامان است. (ر.ک. آیه ۳ و ۱۲) همچنین در مورد توطئه دو خواجه سرا (الف: ۱۲-۱۷ و ۲: ۲۱-۲۳).
 فعل توطئه کردن دارای همان ریشه به کار رفته در ۲۲:۲ است.
 x- ر.ک. الف: ۶ و الف: ۸ توضیح.
 y- همان فعل در الف: ۶.
 z- برای مردخای این یک پیروزی مجدد است (ر.ک. ۶: ۱۰-۱۲) اما این بار این پیروزی به صورت جشن عمومی پس از رهائی
 درمی آید و این تصویر معکوس ۳: ۱۵-۴: ۳ است.
 a- استر عبری می افزاید: از نزد پادشاه [بیرون آمد]...
 b- استر عبری: نور و شادی، هلهله و افتخار. ر.ک. الف: ۱۰.
 c- تحت اللفظی: جام بزرگ برای آشامیدن. ریشه این نام شبیه همان فعلی است که در ۳: ۱۵ به کار رفته. تکرار واژه هلهله، به
 پیروی از متن یونانی است.
 d- تحت اللفظی: ملل. ر.ک. ت: ۲۱ توضیح و ر.ک. استر عبری.
 e- یعنی آغاز به پیروی از رسوم مذهبی یهود کردند. در عهد عتیق این اصطلاح فقط در اینجا به کار رفته است (ر.ک. غلا ۲: ۱۴).
 f- استر عبری: زیرا ترس یهودیان بر آنان افتاده بود.
 g- ر.ک. استر عبری که در اینجا تفاوت های قابل ملاحظه ای دارد.
 h- درباره این تاریخ، ر.ک. ۸: ۱۱-۱۲؛ طبق استر عبری (۳: ۱۳) روز معینی بود که به قید قرعه برای قتل عام یهودیان تعیین
 شده بود.
 i- ر.ک. ۸: ۱۱ و ت: ۲۰ توضیح. فصل ۹ با دستور مذکور در ۸: ۱۱-۱۲ مطابقت دارد.

«در شوش یهودیان پانصد نفر^q را کشته اند^p. به عقیده تو در اطراف چه کرده اند؟... باز چه می خواهی؟ آن را نیز^r خواهی داشت.»^s استر به پادشاه پاسخ داد: «اجازه داده شود که فردا هم یهودیان^s همین کار را بکنند، به نحوی که ده پسر^h ۱۸ هاما^t را حلق آویز کنند.»^{۱۴} پادشاه اجازه داد که به همین نحو رفتار شود و برای یهودیان شهر فرمانی موشح کرد تا به هر حال اجساد پسران هاما را بدار بزنند.^{۱۵} یهودیان شوش روز چهاردهم ماه آدار^v گرد هم آمدند^u، سیصد نفر را کشتند بدون آن که دست به غارت^w بزنند.^{۱۶} آنچه در مورد سایر یهودیان کشور

شاهزادگان و دبیران شاهی یهودیان را حرمت می کردند، زیرا، ترس از مردخای ایشان را وادار به این کار می کرد.^۴ دستور پادشاهی در واقع باعث انتشار^l نام وی در سراسر کشور^k گردیده بود.^{۹-۳:۳}
 ۶ در شهر شوش یهودیان پانصد تن را کشتند^l،^۷ از آن جمله فارسانستائین، دلفون، فازگا،^۸ فارداتا، بارثا، ساریا^۹ مارماسیم، آروفایوس، ارسایوس و زابوتایوس،^{۱۰} پس ده پسر بوغایوس^m، پسر هاماداتوس، دشمن یهودیانⁿ، به غارت^o رفتند.^{۱۱} همان روز، شمار کشته ها را در شوش به پادشاه دادند.
 ۲ آنگاه پادشاه به استر گفت:

مز ۱۰۹:۱۲-۱۳؛ ایوب ۲۷:۱۳-۲۳؛ حزق ۳۹:۱۰؛ یهودیه ۱۱:۱۵

- ج. تحت اللفظی: افتاده بود تا نامش برده شود ... باز به فعل افتادن برمی خوریم که یکی از مضامین اصلی این کتاب است. (ر. ک. الف: ۱۰ توضیح).
- k. آیه ۵ که ممکن است به خاطر خشونت نهفته در آن تکان دهنده باشد در دیگر نسخ به زبان یونانی وجود ندارد، ر. ک. استر عبری ۵:۹. روایت یونانی کتاب استر که همیشه ناظر بر جنبه جهان شمولی این کتاب است، بیانگر شدت بخشیدن به جنبه های انتقام جویانه این روایت می باشد.
- l. استر عبری می افزاید: در حال نابود کردن ... اگر منظور عمل انتقام جویانه باشد، این امر از روی دیگر متون کتاب مقدس هم تأیید گردیده است. (ر. ک. بنسی ۲۸:۱-۷).
- m. ر. ک. الف: ۱۷ توضیح.
- n. استر عبری می افزاید: آنها را کشتند.
- o. در هیچ جای متن یونانی کتاب استر غارت و چپاول اموال توسط یهودیان مجاز شناخته نشده، اما برابر کتاب استر عبری (ر. ک. ۱۱:۸ توضیح) مجاز شناخته شده بود. در گذشته دستور غارت اموال یهودیان داده شده بود (ر. ک. ۱۳:۳). متن یونانی به این ترتیب اتسجام خود را از دست می دهد، یعنی با پیروی از آنچه کتاب استر عبری در گذشته روایت کرده است. لذا در ۱۰:۹ استر عبری آمده: در صدد غارت برنیامدند. لذا متن یونانی برخلاف گفته استر عبری در این مقطع است، هرچند با روایت قدیمی عبری انطباق دارد. می توان چنین تصور کرد که در اینجا موضوع مربوط به سنتی انحرافی یا سنتی متفاوت است که «خاطره» یک غارت را محفوظ داشته است. هیچ یک از دستنویس های یونانی در پایان این آیه موضوع را نفی نمی کند.
- p. استر عبری می افزاید: در حال نابود کردن ... ر. ک. ۶:۹ توضیح.
- q. استر عبری می افزاید: علاوه بر ده پسر هاما.
- r. استر عبری می افزاید: باز درخواست تو چیست؟ انجام خواهد شد.
- s. استر عبری می افزاید: از شوش.
- t. دیگر مرده اند (آیات ۶-۱۰). اما تقدیر آنان بدین ترتیب در ملاء عام اعلام خواهد شد. به هر حال عمل دار زدن قاعدتاً در مورد زنده ها بوده است (ر. ک. ۲۳:۲؛ ۵:۱۴؛ ۷:۹-۱۰) و نه اجساد. (ر. ک. پید ۴۰:۱۹-۲۲؛ ۴۱:۱۳؛ تث ۲۱:۲۲-۲۳؛ سمو ۹:۲۱. تنها یک استثناء در یوشع وجود دارد ۱۰:۲۶). ر. ک. ۱۴:۵ توضیح.
- u. این فعل که به کرات در فصل ۶ می آید یادآور تجمع در کنیسه می باشد.
- v. - برابر متن یونانی، این تاریخی بود که هاما به قید قرعه برای نابودی یهودیان تعیین کرده بود (۷:۳ و ۶:۳)، ر. ک. ۱:۹ توضیح.
- w. در اینجا متن یونانی برخلاف ۹:۱۰ (توضیح) لحنی منفی دارد.

[نقاط] بودند فرستاد^{۲۱} تا بریائی این روزهای جشن را روزهای چهاردهم و پانزدهم آدار^b پایه گذاری کنند.^{۲۲} زیرا در این روزها یهودیان از دشمنان خود آسوده بودند - همچنین در این ماه آدار که

ج. ۱۰:۱
پید. ۵۰:۲۰
مک. ۹:۴۱

وضع به نفع آنان از ماتم به شادمانی و از عذاب به روز جشن برگشته^c بود؛ سراسر این ماه به عنوان روزهای جشن عروسی^d و هلهله و شادمانی، با ارسال سهم ها به دوستان و فقرا برپا داشته شده است.

^{۲۳} یهودیان به اتفاق آنچه را مردخای به آنان نوشته بود پذیرفتند^e: ^{۲۴} چگونه هامن مقدونی^f، پسر هاماداتوس با آنان به جنگ پرداخته، چگونه او فرمانی صادر نموده و برای نابودی آنان قرعه انداخته بود. ^{۲۵} چگونه او به حضور پادشاه رفته تا بگوید که مردخای را به دار بیاویزد، اما تمام بدبختی هائی که تدبیر کرده بود بر سر یهودیان فرود آید، بر سر خودش^g آمد و او و فرزندان^h به دار آویخته شدند.

^{۲۶} برای همین است که این روزها را

است، برای یاری^x یکدیگر، گردهم آمدند. از مهاجمان خود آسودند؛ در واقع پانزده هزار نفر^y را روز سیزدهم آدار بدون آن که دست به هیچ غارتی بزنند از بین برده بودند. ^{۱۷} روز چهاردهم همان ماه آسودند و این

روز راحت را در شادمانی و هلهله گذراندند. ^{۱۸} در حالی که یهودیان شهر شوش که روز چهاردهم بدون استراحت گردهم بودند، روز پانزدهم را در شادی و هلهله گذراندند. ^{۱۹} برای همین است که یهودیان، پراکنده^z در سراسر استان ها در خارج، روز چهاردهم آدار را به عنوان روز جشن در هلهله با ارسال متقابل سهم ها جشن می گیرند. اما ساکنان پایتخت همین

۱۷:۸

روز پانزدهم آدار را به عنوان روز جشن و هلهله با فرستادن سهم ها جشن می گیرند. ^{۱۰:۸} ^{۲۰} ^{۳۰} ^{۳۸} ^{۱۰:۱۱} ^{مک}

پایه گذاری جشن

^{۲۰} مردخای این مطالب را در کتابی^a نوشت و آن را به همه یهودیانی که در قلمرو اردشیر، در دورترین و نزدیکترین

X. مانند ۸:۱۱ که در گذشته به کار رفته، این اصطلاح با استر عبری وجه اشتراک ندارد.

Y. متن یونانی مقدار مذکور در متن عبری را تشدید می کند: ۷۵ هزار نفر. ر. ک. ۴:۹ توضیح.

Z. همین فعل در ۸:۳ هم به کار رفته است.

a. موضوع اینجا مربوط به یک کتاب است و نه آن گونه که استر عبری گفته مربوط به نامه ها. موضوع درباره اسناد پراکنده نیست بلکه مجموعه ای گردآوری شده و مجلد. ر. ک. الف: ۱۵.

b. بنا بر آیه ۱۹، تنها ساکنان پایتخت جشن ۱۵ آدار را برپا می کردند و این همان سنتی است که در اینجا رعایت شده است.

c. ضمیر مجهول به معنای آن است که زیر و زبر شدن ماجرا بر اثر مداخله الهی بوده است (ر. ک. و: ۶-۱۰؛ پ: ۲۲) نیز ر. ک. الف: ۱۰ توضیح.

d. در اینجا مشابهتی با دو روایت جشن عروسی سلطنتی وجود دارد: ۵:۱ و ۱۸:۲ (توضیح u) این اشاره در کتاب استر عبری وجود ندارد. درباره مضمون عروسی که اصطلاحی برای عهد بین خدا و قومش است ر. ک. اش ۵۴؛ ار ۷:۳۴؛ هو ۱-۳؛ مکا ۱۹:۷-۹.

e. استر عبری می افزاید: آنچه برای اقدام شروع شده بود.

f. ر. ک. ت: ۱۰ توضیح.

g. ر. ک. ۱۰:۷ توضیح.

h. آیات ۲۴-۲۵ که دارای متغیرهای متعددی در مقایسه با استر عبری می باشند تشکیل دهنده نوع فشرده ای از رویدادهای اصلی است که در این کتاب بیان شده اما ذکری از استر در این جا نیست. در این قطعه توجه اصلی به مردخای می باشد.

^{۳۱} مردخای و استر، ملکهⁿ در آنچه به آنها مربوط بود رسمی ساختند و همچنین رسمی به منظور سلامت^o خود برپا داشتند. ^{۳۲} با لحن خود، استر رسمی جاودان^p ساخت و بعد آن را نوشتند تا یادش محفوظ بماند.

اوج ماجرا

^{۱۰} پادشاه برای قلمرو، بر زمین و بر دریا قانون وضع کرد. ^۲ قدرتش و شجاعتش، ثروت و افتخار قلمروش همه را در کتاب پادشاهان پارس و ماد نوشتند تا یاد آن محفوظ بماند. ^۳ سپس مردخای^q جانشین اردشیر پادشاه شد. وی مرد بزرگی در قلمرو بود و از سوی یهودیان تجلیل^r گردید. وی که مورد محبت سراسر قوم خود بود، رفتار خود را به آنان تشریح می کرد که رفتارش چگونه بوده است.

۲ سمو ۲۲: ۴۴؛
۱۸ مز ۴۴: ۱۸

یهودیه ۱۴: ۸

«تقدیرⁱ» نامیده اند و به علت قرعه بوده است (زیرا در زبان آنها آن را «تقدیر» می گویند). با توجه به معنی این کلمه، منظور همه کسانی است که به این علت رنج کشیده و همه آنچه بر سرشان آمده بود. ^{۲۷} مردخای از آن رسمی ساخت و یهودیان برای خودشان، برای فرزندان شان و برای تابعان شان^k پذیرفتند. بدون هیچ تردید، به نحو دیگری رفتار نمی کردند. این روزها یادآوری کامل از نسلی به نسلی، در هر شهر، هر خانواده، هر استان خواهد بود. ^{۲۸} این روزهای تقدیر در سراسر زمان ها برپا خواهد شد. به خصوص که یاد آن از خاطره اعقاب^l محو نشود. ^{۲۹} استر ملکه، دختر عمیناداب و مردخای، یهودی، همه اعمالشان را و همچنین تأییدیه^m نامه تقدیر^m را نوشتند. ^{۳۰} [...]

- i متن یونانی در این جا واژه (phrourai) را که معادل عبری پوریم یا فوریم (Pourim) است به کار می برد (ر.ک. استر عبری ۳: ۷ توضیح).
j نام مردخای در این جا اضافه شده: فاعل در متن یونانی مشخص نشده است. ر.ک. ۲- مک ۱۵: ۳۶.
k -- پس از قتل عام دشمنان در اینجا باز به نکته ای همگانی تر برمی خوریم که به ۸: ۱۷ متصل می گردد. ر.ک. خروج ۱۲: ۴۹؛ اش ۶: ۵۶-۷.
l - با سبکی غیر مستقیم آیت ۲۴-۲۸ را می توان تلخیصی از نامه^m مردخای دانست که سندی متفاوت از کتاب مذکور در آیه ۲۰ است. بنا بر آیه ۲۶، نامه علبرت از نام تقدیربان مذکور در و: ۱۱ می باشد. هر ارجاعی به خدا به سکوت برگزار شده و از استر هم نامی در میان نیست. بابت این نلمه به ویژه در اطراف مردخای، نمونهⁿ نژاد مورد ظلم توسط هامان است. برخی فصول به ارجحیت و تفوق مردخای وابسته است. ر.ک. فصول ۳: ۴؛ ۶.
m - این نلمه ممکن است همان نلمه ای باشد که در آیات ۲۴-۲۸ منعکس است. المدر این آیه نام استر قبل از مردخای برده شده. برخی فصول هم به استر ارجحیت و تفوق داده اند. ر.ک. فصول ۲: ۵؛ ۷: ۸ (به توضیح قبلی رجوع شود). ابهلی می که درباره کتاب استر و روز مردخای وجود دارد از این جا ناشی می شود (۲- مک ۱۵: ۳۶). آیه ۳۰ در متن یونانی وجود ندارد. ر.ک. استر عبری ۹: ۳۰.
n - نظم نام ها معکوس شده است (به نسبت آیه ۲۹)، مشخصات: دختر عمیناداب و به ویژه کلمه یهودی [عمیناداب یهودی] حذف شده است: این نامگذاری در استر عبری وجود دارد. این آیه را با آغاز آیه ۲۷ مقایسه کنید.
o - هدف این رسم ممکن است به دو صورت درک شود: عدم برپائی این جشن که موجب اخلال در سلامت خواهد بود. یا برعکس باید ضلعتی بزرگ برپا داشت که در حکم تقویت سلامت است. به هر حال، می توان تفسیر دیگری را هم از متن یونانی پذیرفت: علیه سلامت خودشان که بیشتر با استر عبری تناسب دارد که صحبت از روزه و ماتم می کند.
p - اینجای باز (ر.ک. آیه ۲۹. توضیح) اقتدار استر که در آیات ۲۰-۲۸ افول کرده بود بر اقتدار مردخای که در اینجا از وی نامی برده نمی شود پیشی گرفته است.
q - استر عبری می افزاید: یهودی. مانند ۹: ۳۱.
r - ر.ک. ۴: ۹. جلالی شکوه مردخای در ردیف جلال یوسف یا دانیال است.

تفسیر خواب ابتدایی

و^۱ او مردخای می گفت: «این اتفاقات از سوی خدا به وقوع پیوست. ^۲ در واقع خوابی را که در این مورد دیده ام به یاد می آورم و در حقیقت هیچ چیز آن از قلم نیفتاده بود.

الف. ۴-۱۰

^۳ چشمه کوچکی که نهر گردید و سپس نوری^۴ علاوه بر خورشید بود و آبی فراوان. نهر استر است که پادشاه به همسری برگزید و وی را ملکه کرد. ^۴ دو اژدها، من و هامان هستیم. ^۵ ملت ها کسانی اند که برای نابودی نام یهودیان دور هم گرد آمده بودند. ^۶ قومی که از آن من است، اسرائیل می باشد. آنانی که به سوی خدا فریاد برآوردند و نجات یافتند. خداوند قوم خود را نجات داده است! خداوند از همه مصیبت ها ما را برکنار داشته است! خداوند معجزات و کرامات عظیم به تحقق رسانیده که در نزد مشرکان^۷ وجود نداشته است! ^۷ برای همین دو قرعه^۸ [تقدیر]

سومو ۳: ۲۳-۴: ۱۷
اعد ۲۴: ۱۷

پید ۲۰: ۵۰

مز ۱۳۵: ۹
حک ۱۰: ۱۶

مقرر داشته شد یکی برای قوم خدا، دیگری برای همه مشرکان. ^۸ پس این دو تقدیر به ساعت، زمان و روز داوری در برابر خدا و همه مشرکان به وقوع پیوست. ^۹ خدا قوم مز ۱۰: ۵۸ خود را به یاد آورده و درباره میراث خاصش ج. ۸-۱۰ عدالت را جاری کرده است. ^{۱۰} لذا در این روزها، در ماه آدار، روزهای چهارده و پانزده همان ماه^۷، برایشان انجمنی^۷، ابراز شادی و هلهله در برابر خدا به هر نسل برای ۲۷-۲۸: ۹ همیشه، در میان قومش، اسرائیل، مقتضی دیده است».

ضمیمه

^{۱۱} در چهارمین سال سلطنت بطلمیوس و کلتوپاترا^X، دوسیتوس که خود را کاهن و لای نامیده بود، و همچنین پسرش بطلمیوس، نامه یاد شده را آوردند. تأکید می کردند که این همان نامه تقدیر^{۱۱} است که توسط لیزیماک، پسر بطلمیوس برای اورشلمیان ترجمه شده است.



S- به الف: ۱۰ (توضیح) نگاه کنید. در جریان روایت این واژه فقط در ۱۶: ۸ آمده است. ر.ک. مز ۳۶: ۱۰؛ ۹۷: ۱۱ آمده است
t - تحت اللفظی: ملت ها، در این جانشین مذهب بین قوم و ملت روشن است (ر.ک. ۳: ۶ توضیح).

u- ر.ک. ۷: ۳ (توضیح).

v- ر.ک. ۲۱: ۹ توضیح.

w- واژه یونانی هم همانی است که به معنای کنیسه آمده است (ر.ک. ۹: ۱۵ توضیح).

X- در اینجا منظور بطلمیوس هشتم (۱۱۳-۱۱۴) یا بطلمیوس دوازدهم (۴۷-۴۸) است. هر دو با ملکه ای کتوپاترا نام سلطنت کرده اند که تشخیص بین آن دو ناممکن است. علاوه بر این نام بطلمیوس در بیان و معرفی به شخصیت متفاوت دیگر در این آیه هم آمده است. y- این نامه در ۲۹: ۹ مذکور شده و نمی تواند همان کتاب استر چه به زبان عبری یا یونانی، -آن گونه که می شناسیم- بوده باشد.